

حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی
فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره پنجم - پنجشنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۹۳

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY
FILM FESTIVAL.No.5. THURS, 4TH DEC. 2014

کات CUT 5

پرونده امروز
بررسی مستندهای عاشورایی
عاشورادر قاب حقیقت



کهنه کار هلندی در تهران

کارگاه تخصصی هدی آنیگمان
مستندساز برجسته در چهارمین روز
جشنواره حقیقت برگزار شد

مستندسازی
وظیفه فرهنگی است

مجتبی میرتھماسب
در گفت و گو با نشریه روزانه

7

عمل به وعده هایی
که داده بودیم

حجت‌اله ایوبی رئیس سازمان سینمایی
مهمان ویژه جشنواره فیلم حقیقت

6

جشنواره حقیقت
جشنواره ای روبه رشد

گی با اووه ریشه یانسن
عضو شبکه مستند اروپا

15

شب‌های روشن

آسمان سینماحقیقت همچنان بهاری است



گنج پنهان

به عنوان مستندساز فعال در این عرصه منکر مشقت‌های هنرهای ملی و سختی‌ها مستندسازی درباره آن‌ها نیستم. اما بر این مهم است که کدام فیلمساز توانسته این اختراع ملی را به نحو احسن نمایش دهد و موفق شده خوبی‌ها، بدی‌ها، ضعف‌ها، کاستی‌ها و نکات مثبت آن را به تصویر بکشد. از نظر من در جشنواره امسال تنها چند فیلم این ویژگی را داشتند. نکته مثبت دیگر آثار امسال فیلم‌هایی است که با روایتی نوین میراث ملی را به نمایش کشیده‌اند و مشخص است سازنده با فکر و ایده‌ای بکر به موضوع پرداخته.

اینجاست که اهمیت پژوهش بیشتر نمایان می‌شود. همواره باید توجه داشت که عدم پژوهش درست و کافی، بیشترین ضربه را به اثر می‌زند و باعث می‌شود در سینمای مستند شاهد آثاری ضعیف باشیم، در حالی که خیلی از آن‌ها به لحاظ ایده اولیه حتی قابلیت جهانی شدن را داشته‌اند. متأسفانه زبان برخی آثار بخش مستند صنایع دستی و هنرهای سنتی الکن بود. فیلمساز بدون اطلاع قبلی از فلسفه اثر و میراث ملی، به منظور نشان دادن یک کالبد ساده از تاریخ اثر، به سراغ آن رفته و همین موضوع باعث شده بود نتواند تمامی ابعاد و لایه‌های تاریخی و رمزالود سوژه را کشف کند و به رخ بیننده بکشد. برخی نیز به خاطر پرداخت بد در فیلم‌شان به نوعی صنایع دستی را تحقیر کرده بودند. این ضعفی است که سال‌ها البته شاهدش هستیم و باید اصلاح شود. در مستندهای ما همواره یک وجه غالب است؛ در فیلم‌ها با زبان شیون و ناله از تخریب آثار ملی و میراث چندین هزار ساله‌مان یاد می‌شود. این زاویه دید در شرایطی است که آثار ملی ایران نابود نشده و نمی‌شوند چرا که هنوز می‌توانند توجه فیلمسازان را به خود جلب کنند، پس آثار ملی وجود دارند. مهم آن است که فیلم بتواند علت دوام این آثار را در قیاس با اجناس چینی مبتذل که بازار را احاطه کرده است به نمایش بگذارد. در این گونه فیلم‌ها باید برجستگی‌های میراث ملی و صنایع دستی مشاهده شود. مردم باید بدانند صنایع دستی ایران گران است و هر کسی نمی‌تواند آن را تهیه کند؛ این خاصیت هنر گران ایرانی است. برای همین است که هنر فروش ایران در تمام دنیا بی نظیر است. نکته حائز اهمیت در این بخش آن که برخی فراموش می‌کنند مادر باره گنجی صحبت می‌کنیم که اگر سرمایه‌گذاری درستی روی آن صورت گیرد، درآمدش می‌تواند جایگزین فروش سالیانه نفت شود.

نگاه اول



حسن نقاشی

داور بخش مستند صنایع دستی و هنرهای سنتی

از رکورد های سینما سپیده را به نام خود ثبت کند که مشکل فنی مانع آن شد و پخش فیلم به آینده موکول شد. در مجموع باز هم لایه اصلی و پاگردهای سینما فلسطین و سپیده مملو از مستنددوستان بود و در نتیجه هنوز نمی‌توان درباره رکوردداران جذب مخاطب نظر قطعی داد.

روز مدیران

از نکات جالب روز گذشته امانه فقط فیلم‌های به نمایش درآمده که مهمانان ویژه جشنواره بود. در میان مهمانان مختلف بیش از همه حضور حجت‌الله ایوبی به همراه حبیب ایل بیگی و ابراهیم داروغه‌زاده جلب توجه می‌کرد. حضور محسن مومنی رئیس حوزه هنری را هم می‌توان در راستای همین دیدارها فهرست کرد. در کنار این بازدید مدیریتی چهره‌های هنری شناخته شده‌ای هم مهمان جشنواره بودند. از احمد طالبی‌نژاد منتقد باسابقه‌ای که برای رونمایی از کتاب تازه‌اش به جشنواره آمده بود تا خسرو سینیایی و محسن امیر یوسفی از کارگردانان و مستندسازان شاخص دو نسل که حضورشان در کاخ جشنواره قابل توجه بود.

ساعت که به نیمه‌شب نزدیک و خیابان‌های شهر خلوت می‌شود، مقابل سینما فلسطین ترافیک است! تاکسی‌های سبز و زردی که در انتظار پایان نمایش آثار هستند، به صورتی متراکم در خیابان طالقانی توقف کرده‌اند تا آن دسته از مخاطبانی که بدون وسیله نقلیه به جشن فیلمسازان مستند آمده‌اند، بی‌وسيله نمانند و صدا البته دشت پایان شب این رانندگان هم پربار شود! این روزها چراغ سینما فلسطین و سپیده تا پاسی از شب روشن است.

رکوردداران راند چهارم

روز چهارم جشنواره هم مختصاتی مشابه روزهای قبل داشت. باز هم بازار پرس و جو درباره فیلم‌های پر مخاطب و به تعبیر برخی حرفه‌ای‌ترها «جنجالی» جشنواره داغ بود و در این میان بودند آثاری که ظرفیت سالن‌های اصلی و فرعی سینما فلسطین پاسخگوی مخاطبان‌شان نبود. عصر دیروز دو فیلم «من می‌خوام شاه شوم» و «بدون بلیت» چنین تجربه‌ای را در سالن شماره یک و شماره سه سینما فلسطین رقم زدند. فیلم «آزادراه» محسن خانجهرانی هم می‌رفت یکی

کتاب در قاب

یکی از ایده‌های متفاوت نشست‌های رونمایی کتاب، تیزر معرفی آنها است

خواهد آمد.» وی با اشاره به ساختار کلی این تیزرها می‌گوید: «ایده‌ای که در آخر به این تیزرها اضافه شد خوانش بخش‌هایی از کتاب‌ها توسط مسعود رایگان و رویا تیموریان بود که به عنوان پایان بندی هر تیزر مورد استفاده قرار گرفت.»



در آغاز هر یک از نشست‌های رونمایی کتاب تیزری پنج دقیقه‌ای پخش می‌شود که علاوه بر معرفی مختصر کتاب به جذابیت‌های بصری این نشست‌ها افزوده است. مجید توکلی طراحی و کارگردانی این تیزرها را بر عهده داشته که در گفت‌وگو با نشریه روزانه جشنواره درباره آنها می‌گوید: «ایده اصلی این تیزرها از آقای طباطبایی نژاد دبیر جشنواره بود. تیزرهایی پنج دقیقه‌ای که قرار است مخاطب را به تهیه کتاب‌های رونمایی شده تشویق کند و در عین حال گزارشی از محتوای آن و زاویه نگاه نگارنده و یا مترجم آن به مخاطب بدهد.» توکلی افزود: «علاوه بر این چهار تیزر پنج دقیقه‌ای یک تیزر سه دقیقه‌ای برای معرفی همزمان هر ۴ کتاب نیز تهیه شده است که در اختتامیه به نمایش در

یک روز مشترک

خسرو سینایی و حجت‌اله ابوبی یک روز مشترک برای سرکشی از کاخ جشنواره مستند انتخاب کرده بودند: عصر روز چهارشنبه دوازدهم آذر ماه سینایی در حال گپ و گفت با مستندسازان بود که رئیس سازمان سینمایی به فلسطین رسید. ابوبی با دیدن او سرراغش رفت و دقایقی مبهمان جمع سینایی و همراهان شد. خسرو سینایی از محدود فیلمسازانی است که با وجود فعالیت مستمر در حوزه سینمای داستانی و ساخت فیلم‌های تحسین شده، همچنان دلبسته سینمای مستند است، حتی در فیلم‌هایی مثل «عروس آتش»، «هیولای درون»، «یار در خانه»، «در کوچه‌های عشق» و... دلمشغولی‌های ویژه‌اش به پرداخت مستند و واقع‌گرایانه مشهود است. فیلم‌های مشهور او عموماً در مرز مستند و درام حرکت می‌کنند و از ساختاری منحصر به فرد سود می‌برند. خسرو سینایی این روزها مشغول انجام مراحل فنی فیلم سینمایی «جزیره رنگین» است تا در جشنواره فجر رونمایی شود.



هدیه حبیب



حبیب احمدزاده متخصص در ارائه ایده‌های متفاوت است. اشتباه نکنید اینجا سخن از همراهی او با جشنواره سینما حقیقت در قالب حضور در هیأت داوران نیست. این نویسنده و مستندساز در نیمه راه هشتمین «سینماحقیقت» اقدام به ارسال هدیه‌ای ویژه برای مخاطبان جشنواره کرد که در نوع خود قابل توجه بود. کتاب «من زنده‌ام» که همین چند هفته قبل خبر کوردشکنی‌اش در بازار نشر ایران در برخی رسانه‌ها منتشر شد یکی از آثار موفق در زمینه تاریخ شفاهی است. کتابی که خاطرات معصومه آباد در آن مکتوب شده است. آزاده‌ای که در ۱۷ سالگی اسارت در جنگ را تجربه کرد. خاطرات آباد در این کتاب مخاطبان بسیاری تا به امروز داشته است و حالا هدیه آن به مستندسازان در بزم «سینما حقیقت» می‌تواند گامی باشد در جهت ارائه مستندات و روایت‌هایی از این دست در مدیومی متفاوت از کتاب. ایده حبیب احمدزاده به همت و همراهی مرکز گسترش عملی شد و در روز سوم جشنواره «من زنده‌ام» به دست مهمانان «سینماحقیقت» رسید.

فیلم شنیدیم!

شب گذشته سئانس ساعت ۲۰ در سینما فلسطین سئانس ویژه‌ای بود. اکران هم زمان دو فیلم پرمخاطب در دو سالن یک و سه سبب تراکم بالای مخاطبان در لابی اصلی و پاگردهای سینما فلسطین شده بود. در سالن اصلی فیلم «من می‌خوام شاه بشم» به کارگردانی مهدی گنجی روی پرده رفت که پیشتر زمزمه‌هایی درباره کیفیت خوبش میان مهمانان جشنواره دهان به دهان می‌گشت. هم زمان با این فیلم سالن شماره سه که از نظر ظرفیت فضای کمتری نسبت به سالن اصلی دارد هم میزبان مخاطبان مستند «بدون بیت» به کارگردانی صبا قاسمی بود. فیلمی که سوژه جذابش بسیاری را علاقه‌مند به تماشای آن کرده بود. قاسمی در این مستندی روایتی از روز ملی سینما و اکران رایگان فیلم‌ها در سینماهای کشور ارائه کرده است. اتفاق جالب درباره اکران این فیلم این بود که مخاطبان اصلاً به فضاهای ممکن برای «تماشا» بسنده نکردند و به دلیل ازدحام بالای تماشاگر بخش قابل توجهی از مخاطبان که به زحمت خود را از میان جمعیت به فضای تارک سینما رسانده بودند به صدای فیلم قناعت کردند! یکی از مخاطبان با هیجان از تجربه تازه‌اش می‌گفت: «برای اولین بار فیلم شنیدم، هیچ چیز نمی‌دیدم اما با صدای فیلم آن را در ذهنم تصور کردم!»

سئانس فوق‌العاده



سنت سئانس فوق‌العاده برای اکران فیلم‌های محبوب جشنواره امسال هم بی‌مصدق نماند و بالاخره فضای خالی جدول اکران این فرصت را به برنامه‌ریزان جشنواره سینماحقیقت داد تا به درخواست متقاضیان پاسخ دهند و برای فیلم‌های خاص سئانس فوق‌العاده در نظر بگیرند. مستند «نگاه سوکت» ساخته جاشوا اوپنهاایمر اولین فیلم در این میدان بود که شب گذشته و در سئانس ۲۱:۴۵ در سالن شماره یک فلسطین برای دومین بار روی پرده رفت. مستند ۱۰۰ دقیقه‌ای «نگاه سوکت» در اولین نمایش جشنواره‌ای خود، در ونیز ۲۰۱۴ روی پرده رفت و جایزه بزرگ جشنواره و جایزه ویژه منتقدان (فیپرشی) این فستیوال معتبر را کسب کرد. همچنین خبر رسیده است به دلیل درخواست جمعی از تماشاگران، مستند تحسین شده «کوچ زمستانی» ساخته مانوئل فون اشتورلر هم که صبح دیروز در سینما فلسطین روی پرده رفته بود امروز صبح در سئانس ۱۱:۴۵ در سالن اصلی مجدداً اکران خواهد شد.

محمدرضا اصلانی فرصت دیدار

امروز ساعت ۱۹:۳۰ دیدار با محمدرضا اصلانی، مستندساز مطرح و با تجربه را از دست ندهید.



محسن استاد علی جایی برای زندگی

میزبان «جایی برای زندگی» ساخته محسن استاد علی، است.



پریسا عشقی ملاقات با سیمین و جلال

پریسا عشقی امروز با مستند «خانه سیمین و جلال» مهمان جشنواره است. فیلم روایتی است از محل زندگی و فعالیت‌های ادبی زوج صاحب‌نام ادبیات معاصر.





سوار بر امواج سیاست در شب چهارم

چهار مستند در چهار مین شب نقد سینما حقیقت بررسی با حضور کارشناسان، منتقدان و صاحبان آثار نقد و بررسی شدند

■ مجری کارشناس: شاهین امین ■ منتقدان: سحر عصر آزاد ■ مترجم: بهمن نورایی

قنوس

■ موضوع مستند: ترور یک روحانی شیعه در بروکسل
■ کارگردان: جمشید بیات ترک

مستند «قنوس» یکی از مستندهای سیاسی جشنواره امسال بود که با موضوع حساس ترور یک روحانی شیعه در مسجدهای بروکسل و نشانه رفتن انگشت اتهام به سمت نیروهای تندرو تکفیری هم چون داعش، مورد توجه قرار گرفت.

■ جمشید بیات ترک: ایده اولیه این فیلم برای آقای فارسی بود قبلاً در قالب پروژه‌ای به این موضوع پرداخته بودند که چرا مسیحیان اروپا به اسلام علاقه نشان می‌دهند. در میانه همان پروژه به این روحانی برخورد کرده بودند. مدتی پس از قتل این روحانی ساخت آن به بنده پیشنهاد شد. یکی از مسائل مورد تردید فیلم که بعنوان سوال در پایان فیلم هم باقی می‌ماند ناشی از این است که این جنس پرونده‌ها قرار است به جایی نرسند و غالباً قاتل یا عاملان معدوم می‌شوند. همان میزان که نگاه این روحانی شیعه در اروپا خریدار دارد تفکرات تکفیری هم خریدار دارد و به همین دلیل این تقابل موضوع اصلی فیلم است. نسخه انگلیسی فیلم هم آمده است و بخش جهانی آن منوط به تصمیم حوزه هنری به عنوان تهیه کننده و صاحب امتیاز فیلم است.

■ عصر آزاد: فیلم ساختار کلاسیکی دارد. شهر بروکسل را می‌بینیم به عنوان شهری که پر از مهاجر است. زاویه نگاه جزئی تر می‌شود تا به محور اصلی فیلم می‌رسیم. معمولاً در فیلم‌ها روال این است که مستندساز سراغ اطرافیان می‌رود تا از شخصی که دیگر نیست بگویند. نقطه امتیاز این فیلم این است که در همین موقعیت نکته‌هایی که مخاطب ایرانی را به شخصیت اصلی فیلم متصل می‌کند پرنگ می‌کند مانند اینکه این روحانی شیعه تحت تاثیر انقلاب ایران متحول شده و تغییر مسیر داده است.

به سوی دریا

■ موضوع مستند: ورزش بانوان در ایران
■ کارگردان: ماریون پوآزو

■ کنجکاوای یک موج سوار اروپایی برای اطلاع از وضعیت ورزش بانوان در ایران او را به بلوچستان کشاند تا در منطقه چابهار مستند «به سوی دریا» را مقابل دوربین برد. این مستند برای مخاطبان «سینما حقیقت» جذابیت ویژه‌ای داشت.

■ ماریون پوآزو: سلام من فیلمساز و موج سوار هستم و به همین دلیل موضوع این مستند از علایق شخصی من بوده است. در عین حال همیشه مسحور تاریخ و فرهنگ ایران بودم و می‌خواستیم ایران را ببینیم. در پاکستان مشغول موج سواری بودیم که مطرح شد در ایران و در ناحیه بلوچستان هم موج سواری می‌شود. به ایران آمدیم و ابتدا کمی هراس داشتم اما استقبال و میزبانی گرم از ما باعث شد که تصمیم به ساخت این مستند بگیریم. بلوچستان جای فوق العاده‌ای بود. تصویری که از ایران در رسانه‌های اروپایی از ایران منعکس می‌شود کاملاً متفاوت از واقعیت است و خوشحالم که امروز در ایران هستیم. سال گذشته این فیلم را ساختیم و فراتر از فیلم ابتکاری را در این منطقه کلید زده‌ایم و تلاش داریم مدرسه موج سواری در آن منطقه راه‌اندازی کنیم.

■ عصر آزاد: از آنجا که فیلم قرار بوده مستند ورزشی باشد برای مفرح شدن فضای فیلم سعی کرده‌اند از ظرفیت‌هایی مانند موسیقی بهترین استفاده را بکنند. کارگردان در این فیلم در بخشی از فضای چابهار فاصله می‌گیرد به مقوله ورزش بانوان در ایران می‌پردازد. همین مسئله باعث اندکی پراکنده‌گویی شده است و شاید باعث شده تمرکز بر روی سوژه اصلی کمی تحت تاثیر قرار بگیرد. البته که پرداختن به سوژه اصلی اصلاً کار ساده‌ای نبوده اما تمرکز بیشتر بر آن منطقه می‌توانست به مستند جدی‌تری منتج شود. در نسخه فعلی اما جنبه‌های مفرح فیلم پرنگ تر است.

رهبران

■ موضوع مستند: انتخابات دانش آموزی
■ کارگردان: پاول فردک (لهستان)

■ موضوع اصلی این مستند برگزاری یک انتخابات در یک مدرسه است. مدرسه دخترانه‌ای که قرار است اعضا شورای دانش آموزی آن با رای دانش آموزان انتخاب شوند. روایت طنز آلود این مستند را به یک فیلم سیاسی جذاب تبدیل کرده است.

■ پاول فردک: در سکوت فیلمم را در سالن تماشا کردم و آدم‌های زیادی هم سالن را ترک نکردند؛ فکر می‌کنم این اتفاق خوبی است! هدفم از ساخت این مستند ساخت تریلری کودکانه با موضوع سیاسی بود. قصه ساخت این فیلم طولانی بود. با حساسیت‌های بسیاری مواجه شدیم. ایده اصلی هم نتیجه مشاهدات خودم بود. رفته بودم دنبال دخترم و پوسترهایی را روی دیوار مدرسه‌اش دیدم و فهمیدم قضیه این رقابت‌ها جدی تر از آن است که فکر می‌کردم. یکسال بعد کار کلید خورد اما بعد از یک هفته مدیر مدرسه ما را اخراج کرد! احساس ناامنی به مسئولان مدرسه دست داده بود. در اینترنت انتخابات دانش آموزی در مدارس را سرچ کردم و مدرسه‌ای پیدا کردم. به مدرسه جدید رفتیم و خودم هم دوربین به دست گرفتم. به همین دلیل تجربه عجیب‌تر از قبل شد. در مدرسه دخترم برای بچه‌ها و کتک‌ها گذاستیم تا با دوربین و سینما آشنا شوند اما در مدرسه جدید با فضایی کاملاً غریب کار را ادامه دادیم تا به نتیجه نهایی رسید.

■ عصر آزاد: نکته اصلی فیلم در مواجهه نخست این است که ایده بکر و جدیدی ندارد و در هر کشور می‌توان تصور بود که این ایده برای یک مستندساز مورد توجه باشد. آنچه این مستند ۴۸ دقیقه‌ای را به رغم این سوژه غیربکر مهم کرده است این است که ما می‌توانیم از خلال رفتارهای بچه‌ها به شمایی از رفتارشناسی و جامعه‌شناسی در کشور لهستان برسیم. فیلم باید می‌توانست این اتفاق را رقم بزند که تا حد زیادی توانسته است.



مقدمه‌ای برای حماسه

جای کتاب تازه احمد طالبی نژاد واقعاً در کتابخانه‌های سینمایی خالی بود روز گذشته از این کتاب رونمایی شد

علی اکبر دهبانی

Dehban.cinema@gmail.com

نام کتاب: واقعه در قاب

مهمانان: احمد طالبی نژاد، علیرضا قاسم خان، شاهین امین

کتاب «واقعه در قاب» یکی از ویژه‌ترین کتاب‌هایی است که رونمایی از آن در جدول برنامه‌های مرکز تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش جای داده شده است. کتابی که به موضوع مغفول روایت مستندسازان از واقعه عاشورا و آئین‌های مرتبط با آن پرداخته است. نگارش «واقعه در قاب» توسط احمد طالبی نژاد گام نخست در مسیر پر کردن یک خلأ اساسی است. آئین رونمایی از این کتاب در روز چهارم جشنواره سینما حقیقت برگزار شد.

دارند. چه قبول داشته باشیم چه نه فرهنگ عاشورا نقشی تعیین کننده در فرهنگ ما داشته و هنوز هم دارد. حتی گسترده‌تر هم شده است. نه فقط تاثیر اجتماعی در همدلی و همراهی مردم که بعد فرهنگسازی آن قابل توجه است. وجه دیگر قضیه جنبه نمایشی این آئین هاست که ما از آن غافل بوده‌ایم و تنها آقای بیضایی است که توانسته از این ظرفیت نمایشی استفاده کند و چقدر هم خوب و درست استفاده کرده است. این جنبه‌ها در سینما می‌تواند آن هویت ملی‌ای که به دنبالش هستیم را تعریف کند. سینمای ملی محدود به سینمای علی حاتمی نیست باید نگاه شرقی و ایرانی را مورد توجه قرار داد که این نگاه در فیلم‌های بیضایی هم هست.

■ **قاسم خان:** برای این کتاب من احمد طالبی نژاد را به دام انداختم و فریتم! هر نقشی هم که در کتاب و چاپ آن وجود دارد بر عهده بنده بعنوان سفارش دهنده اصلی است. به همین دلیل برای نقد کتاب اول باید نقد خود کنم. این کتاب در حقیقت می‌خواهد قدمی برای شناخت موضوعی بردارد که به نظر در دسترس و ساده می‌آید اما در عین حال موضوع بسیار مهمی است. یکی از اهالی فلسفه ایران می‌گفت اگر کسی بخواهد ایران را بشناسد هم باید نوروز را بشناسد و هم محرم را. این‌ها وجه غالب تفکر ما ایرانی‌هاست. کتاب «واقعه در قاب» می‌خواهد فیلم مستند را در موضوعی خاص بررسی کند. باید اعتراف کرد می‌توان موارد دیگری را به این کتاب افزود. حداقل ۱۵ فیلم دیگر تا به امروز پیدا کرده‌ام که می‌توانستیم به آنها بپردازیم. اگر فیلم مستندساز بزرگی در این فهرست نیست دلیل خاصی ندارد جز اینکه فیلم به دست ما نرسیده است. کتاب در ۱۱ بخش پرداختن به عاشورا در سینمای مستند را بررسی می‌کند. فیلم‌ها در این کتاب بر مبنای شاخص‌های دیگری هم امکان طبقه‌بندی داشتند. یکی دیگر از کمبودهای کتاب که می‌توان در چاپ دوم آن را گنجانند، نمایه است.

■ **طالبی نژاد:** برای قبول نگارش این کتاب در آغاز تردید داشتم ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که دین بر آن حاکم است و هر قدمی که درباره دین و مذهب برداشته شود با اتهام سوءاستفاده و دولتی بودن مواجه می‌شود. برای همین بود که به تردید افتادم اما چرا بر این تردید غلبه کردم؟ گفتم چقدر باید برای پرداختن به این گنجینه تردید کنیم. ما در محاصره آئین‌ها هستیم. واقعیت این است که برخی از این آئین‌ها جنبه‌های فرهنگسازی

APrefacetoEpic

Ahmad Talebi-Nejad's new book, 'Incident in the Frame', was unveiled yesterday during the fourth day of the Cinema Verite festival by the presence of the author, himself. Shahin Amin and Alireza Ghasemkhan were the other guests of this session. It is the study of Ashura in documentary films in 11 chapters.

On the Wave of Politics

The review meeting of the festival's fourth day was held by the presence of Shahin Amin, Jamshid Bayat Tork and Sahar Asr-Azad, Pawel Ferdek, Marion Poizeau. During the session, four films were reviewed including 'Phonix', 'Into the Sea', and 'The Leaders' and 'Echoes'. The first one was among the political works of this year's festival focused on the subject of terrorism and conviction of the extremist forces such as ISIL. The second one was the result of a European surfer's curiosity about the state of Iranian women in the field sports, filmed in Chabahar area.

پژواک‌ها

■ موضوع مستند: نابودی یک زبان بومی

■ کارگردان: آئین سوترو و کالین کاریدبیروت

فراموشی یک زبان محلی در منطقه‌ای از سوئیس، ایده اصلی این دو کارگردان نسبتاً جوان بوده است که به کندوکاو درباره ریشه‌های زبانشناسانه یکی از زبان‌های بومی کشور خود بپردازند.

■ **آئین سوترو:** در حال حاضر ۴۰ هزار نفر در سوئیس به این زبان صحبت می‌کنند اما هر روستایی در این منطقه به یک زبان حرف می‌زند. موضوع محوری این فیلم ارتباط زبان و هویت بود. به خصوص که درباره زبان‌های رومی هیچ‌گاه نمی‌توان صحبت از نابودی زبان کرد. به طور خاص در این مورد دولت سوئیس هیچ اجبار و فشاری برای نابودی این زبان بومی نداشته بلکه در یک فرآیند طبیعی و به واسطه سبک زندگی جدید این زبان رو به تحلیل است.

■ **سلین کاریدبیروت:** تقریباً هیچ کس در این نواحی به یک زبان واحد صحبت نمی‌کند و به همین دلیل شاید به نظر برسد که ماندگاری این زبان‌ها چندان حیاتی نباشد. مثل همه جاهای دیگر در کشور ما هم روستائینان مشکلات خاص خود را دارند و تحلیل رفتن این زبان به معنای تحلیل رفتن یک سبک زندگی است که جهانی‌سازی آن را به خطر انداخته است. در این فیلم نمی‌خواستیم به سمتی برویم که بگوییم در حال مبارزه برای حفظ یک زبان هستیم به همین دلیل سراغ اصوات و شاعرانگی یک زبان رفتیم.

■ **سحر عصر آزاد:** برای خود من هر فیلم مستند مانند یک کشف است. وقتی این فیلم را می‌دیدم کنجکاو شدم درباره موضوع محوری آن که یکی از چهار زبان اصلی کشور سوئیس است کسب اطلاع کنم. فیلم کاملاً حس شاعرانگی دارد و در زمان ۵۱ دقیقه کاملاً رویکردی که مدنظر فیلمسازان بوده است را به مخاطبان منتقل می‌کند. اگر هدف مستند ارائه موضوعی جدید به مخاطب باشد حتماً این فیلم موفق بوده اما در مرحله بعد فیلم به مخاطب بی‌اطلاع و کم‌اطلاعی مثل بنده اطلاعات کمی می‌دهد و این باعث یک ضعف درونی در فیلم شده است.



عمل به وعده‌هایی که داده بودیم

حجت‌الله ایوبی روز گذشته به سینما سپیده و فلسطین آمد و چند ساعتی را با مستندسازان سپری کرد. رئیس سازمان سینمایی در گفت‌وگو با نشریه روزانه از وعده‌هایی گفت که با گذشت یک سال اجرایی شده‌اند

علی اکبر دهبان

Dehban.cinema@gmail.com

حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی در چهارمین روز برگزاری هشتمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت به سینماهای سپیده و فلسطین آمد. رئیس هم‌فیلم دید، هم با مستندسازان خوش و بش کرد و هم پاسخگوی سوالات متنوع خبرنگاران بود.

جا بگناه ویژه جشنواره مستند

حجت‌الله ایوبی بیش از همه بر اهمیت جایگاه مستند و جشنواره تاکید داشت و بارها به این نکته اشاره کرد. سوال ابتدایی مان با رئیس سازمان سینمایی از همین جنس بود. او این پرسش که جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت چه کمکی به روند مستندسازی در کشور می‌کند، را این‌طور پاسخ داد: «فکر می‌کنم که جشنواره «سینماحقیقت» جزو همان جشنواره‌هایی است که خیلی‌ها بویژه همه مستندسازان کشور در انتظار برگزاری آن هستند و در طی این سال‌ها به شکل آیینی برای آن‌ها در آمده است. در این جشنواره مستندسازان سرزمین‌مان در کنار هم جمع می‌شوند و در جمعی صمیمی با هم درباره موضوعات سینمای مستند همفکری می‌کنند. همین اتفاق‌ها باعث می‌شود که فیلم مستند بیش از پیش دیده شود. در حقیقت جشنواره «سینماحقیقت» برای مستندسازان ایرانی حکم جشنواره فجر را دارد.»

تاثیر جشنواره بر فرهنگ فیلم دیدن

یکی از دغدغه‌های تکرار شونده اهالی مستند بحث «دیده شدن» است. ایوبی جشنواره «سینماحقیقت» را فرصت مغتنمی برای جلب مردم به فیلم‌های مستند می‌داند: «این فضای خوب و صمیمی که در هنگام برگزاری جشنواره در بین اهالی فرهنگ و هنر به وجود می‌آید، باعث می‌شود علاوه بر مدیران، مستندسازان نیز فیلم‌های یکدیگر را مرور کنند. دیدن مستندها توسط خود فیلمسازان اتفاق مهمی است که نباید به سادگی از کنار آن گذشت، این شرایط به فرهنگسازی در جامعه هم کمک بسیار خوبی خواهد کرد. این رویه باعث خواهد شد که توجه مردم به سینمای مستند جلب شود و آن‌ها هم کم‌کم مخاطبان اصلی فیلم مستند خواهند شد.» ار جاع گفته‌های ایوبی گروه تازه تاسیس هنر و تجربه است: «البته در سینمای «هنر و تجربه» این اتفاق در حال رخ دادن است و در آنجا فضایی مهیا شده است که مردم به دیدن این فیلم‌ها بنشینند. با برگزاری این جشنواره‌ها می‌توانیم فرهنگ دیدن فیلم مستند را جا بیاوریم.»

چند سوال حاشیه‌ای

همکاران رسانه‌ای فرصت حضور ایوبی را مغتنم شمردند و هر کدام علاوه بر سینماحقیقت، سولاتی درباره این روزهای سینما پرسیدند. خبرنگار ایسنا از احتمال جابه‌جایی برخی مدیران سازمان سینمایی و رفتن آن‌ها به صدا و سیما پرسید که ایوبی توضیح داد: «چنین احتمالی وجود دارد و تعداد اندکی از مدیران مادر معرض تغییر هستند.» رئیس سازمان سینمایی همکاری این سازمان با تلویزیون را یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دوره جدید برشمرد: «این همکاری برای ما بسیار مهم است، چرا که تلویزیون می‌تواند سینما را نجات دهد، اما متأسفانه در گذشته چنین کاری انجام نداده است. به همین دلیل، در دوره جدید همکاری با تلویزیون برای مادر اولویت است. با در نظر گرفتن این سیاست‌ها، اگر مدیری از مجموعه ما بتواند در تلویزیون فعال‌تر عمل کند، مخالفتی با جابه‌جایی او نخواهیم داشت، زیرا حضور مدیری که سینما را می‌شناسد در تلویزیون، به منزله ادامه کار او خواهد بود.»

تماشای فیلم

ایوبی بعد از آن به تماشای فیلم «سه چنگ حاک» ساخته یاسر خیر نشست و در افتتاحیه «آزاد راه» ساخته محسن خان جهانی شرکت کرد. خان جهانی ضمن تشکر و قدردانی از مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و کسانی که او را در ساخت این مستند یاری کردند از حجت‌الله ایوبی و نمایندگان مجلس که در سالن حضور داشتند دعوت کرد تا پایان فیلم در سالن حضور داشته باشند که البته فیلم به دلیل مشکلات فنی پخش نشد.

از سپیده به فلسطین

در ادامه این بازدید رئیس سازمان سینمایی برای دیدار با جمعی دیگر از مستندسازان و همچنین اصحاب رسانه به سینما فلسطین رفت. او در دفتر دبیر جشنواره با محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری و حبیب ایل بیگی، مدیر عامل انجمن سینمای جوان به گفت‌وگو نشست. بعد از آن هم دقایقی با خسرو سینایی به گپ و گفت پرداخت.

وعده‌هایی که عمل شد

در سینما فلسطین بار دیگر فرصتی دست داد تا گفت‌وگو با حجت‌الله ایوبی را ادامه دهیم. این بار یک فلش‌بک: «آقای ایوبی سال گذشته در گفت‌وگو با نشریه روزانه جشنواره سینماحقیقت گفتید که «همواره یار و یاور مستندسازان هستیم» در این یک سال چه میزان از وعده‌ها محقق شد؟» ایوبی این‌طور پاسخ داد: «مستندسازان و مطبوعات بهتر می‌توانند به این پرسش پاسخ دهند. در ابتدا باید عرض کنم که دبیر جشنواره سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد و سایر همکارانشان در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در طول یک سال اخیر تلاش زیادی داشته‌اند و با فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند ثابت کرده‌اند در کنار مستندسازان هستند.»

اصل مطلب

■ خسته نباشید می‌گویم

این هم دیالوگ پایانی با جناب ایوبی؛ بدون توضیح اضافه: «به همه دوستان که در نشریه روزانه جشنواره زحمات می‌کشند، خسته نباشید می‌گویم. کار در بولتن یکی از سخت‌ترین کارها در ایام جشنواره است. همایش‌ها و جشنواره‌ها تمام می‌شوند و آن چیزی که می‌تواند زحمات و اتفاق‌های رخ داده را به ثبت برساند مکتوباتی است که در این عرصه به جا می‌ماند. یکی از کارهای ماندگاری که در تاریخ سینما باقی خواهد ماند همین مکتوبات در قالب بولتن جشنواره است.»

مستندسازی وظیفه فرهنگی است

مجتبی میر تهماسب کارگردان مستند تحسین شده «شش قرن، شش سال» در گفت‌وگو با نشریه روزانه از مشکلاتی حرف زد که گریبان بسیاری از مستندسازان را گرفته است

محمدصادق شایسته

Mshayesteh84@gmail.com

این روزها هر کجا که حرف از مستند در محافل غیر تخصصی می‌شود نام مجتبی میر تهماسب بیش از هر کس دیگری به گوش می‌رسد. آغاز طرح هنر و تجربه مصادف شد با اکران مستند تحسین شده «شش قرن، شش سال» به کارگردانی این مستندساز باسابقه. اما استقبال مردم از این مستند غافلگیرکننده بود. اضافه شدن ستانس‌های نمایش فیلم خبر از اتفاق جدید و فرخنده‌ای در خصوص سینمای مستند می‌داد. اتفاقی که سال‌هاست بسیاری از مستندسازان مستقل ایران به دنبال رخ دادن آن بودند. میر تهماسب امسال با «شش قرن، شش سال» مهمان بخش خارج از مسابقه جشنواره حقیقت است به همین دلیل هم بد ندیدیم او را به عنوان مهمان به نشریه روزانه دعوت کردیم. هر چند این روزها میر تهماسب مشغول فیلمبرداری کار جدیدش است اما از این گفت‌وگو استقبال کرد ما هم به او قول دادیم با توجه به اینکه در این چند هفته انواع و اقسام حرف‌ها را در خصوص مستندی که ساخته زده به سراغ مستندش نرویم و اتفاقاً بحثمان را با او به عنوان یکی از مستندسازانی که در عرصه کارهای مستقل توانسته مسیر موفقی را پیش بگیرد، جلو ببریم. میر تهماسب در این گفت‌وگو فیلمسازان جوان و آینده‌دار سینمای ایران را مورد خطاب قرار داد و حرف‌های مهمی زد که در ادامه گزیده حرف‌های او را می‌خوانید.

مشروح گفت‌وگو در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.5 - Thurs, 4th Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

Fulfilled Promises

Hojatollah Ayoubi visited Felestin and Sepdieh movie theaters and spent time with documentary filmmakers last night. In an exclusive interview, the head of Iran's Cinema Organization talks about the promises that finally carried out after one year. He put emphasis on the importance of documentary filmmakers' position and the place of Cinema Verite festival. "I think that Cinema Verite is one of those popular festivals for filmmakers and it's become a ritual thing during recent years", Ayoubi indicates.

شفافیت‌هایی که صورت گرفته است می‌تواند گواه این موضوع باشد.

آرزویی که عملی شد

حجت‌الله ایوبی در ادامه با اشاره به اهمیت سینمای «هنر و تجربه» و کمک آن در بخش‌های مختلف به سینمای ایران از جمله سینمای مستند گفت: «سال گذشته به عنوان یک آرزو عنوان کردم، تلاش می‌کنیم فضای جدیدی را ایجاد کنیم تا آثار مستند دیده شوند. در ادامه این آرزو با آغاز به کار گروه «هنر و تجربه» شکل گرفت. بخشی از فیلم‌های «هنر و تجربه» فیلم‌های مستند هستند. که در کنار فیلم‌ها داستانی و تجربی، مستندها به خوبی دیده می‌شوند.» ریزنی با تلویزیون بخش دیگری از تلاش‌های رئیس سازمان سینمایی برای بهتر دیده شدن مستندهاست: «سال گذشته تلاش‌هایی کردیم مبنی بر این که فیلم مستند در سازمان صدا و سیما نمایش داده شود و در همین رابطه ریزنی‌هایی نیز کردیم. همچنین در اولین دیدار با رئیس جدید رسانه ملی یکی از خواست‌های مهم‌مان این بود که برای نمایش فیلم‌های کوتاه و مستند فکری کنند. البته با دستگاه‌های مختلف از جمله میراث فرهنگی، وزارت کشور و ارتش نیز جلساتی گذاشتیم و تفاهمنامه‌هایی امضا کردیم تا بودجه و امکانات‌شان را در اختیار مستندسازان قرار دهند. در یک کلام کارهایی را که مقدور بود برای این جمع فریخته انجام دادیم.»

استفاده بیشتر از شبکه نمایش خانگی

حجت‌الله ایوبی بلافاصله به ظرفیت دیگری که می‌تواند به دیده شدن بیشتر فیلم‌های مستند کمک کند اشاره کرد و گفت: «یکی از بخش‌هایی که به دیدن فیلم‌های مستند کمک می‌کند شبکه نمایش خانگی است و باید کم‌کم به این سمت حرکت کنیم. شروع این اتفاق می‌تواند در اولویت بعدی ما باشد. باید فیلم‌های مستندسازان را در قالب بسته‌های مختلف در شبکه نمایش خانگی تهیه کنیم و در اختیار مخاطبان قرار دهیم. مدام عنوان می‌کنیم که باید فرهنگ‌سازی کنیم تا مردم فیلم مستند ببینند، اما گاهی غافل از این هستیم که فرهنگش وجود دارد ما باید شرایط دیده شدن فیلم‌ها را فراهم کنیم.»

سختی‌های مستندسازی

یکی از دغدغه‌های مستندسازان خطوط قرمز برای پرداخت بهتر به سوژه‌ها است. اتفاقی که گاهی منجر به خودسانسوری می‌شود: «بهتر است از کلمه خودسانسوری استفاده نکنیم. بهتر است بگوییم فهم بالایی در اهالی فرهنگ و هنر وجود دارد که مشکلات و شرایط جامعه را درک می‌کنند و تشخیص می‌دهند در کدام بخش‌ها باید تا چه اندازه‌ای ورود کنند. در همه کشورها برای فیلمسازان حدودی وجود دارد.» رئیس سازمان سینمایی خودش به سختی‌های مستندسازی واقف است: «همین جاز مستندسازان عزیز که حدود را رعایت می‌کنند تشکر و قدردانی می‌کنم. سوژه‌های بسیار زیادی وجود دارد که در عین خاص و جذاب بودن قابلیت نمایش هم دارند. اما طبیعی است که نمی‌توان به برخی از حوزه‌ها ورود پیدا کرد. از طرفی ورود به برخی حوزه‌ها ایرادی ندارد اما حساسیت‌هایی هست که شرایط کار را سخت می‌کند. باید برای حل این موضوع به درک متقابل از شرایط برسیم.»

ACultural Responsibility

Mojtaba Mirtahmasb, the acclaimed filmmaker of the documentary 'Six Centuries, Six Years' talks on difficulties and problems that many documentary filmmakers are dealing with. Right now, he is shooting his new project, but he warmly accepted to interview with the festival's daily magazine. He has addressed the young Iranian filmmakers with promising futures in his statements. "The dominant aim and idea of fictional film is based on fun and entertainment, while documentary cinema is the cinema of reflection, explanation and discovery of the unknowns", Mirtahmasb says. He points out, "Many of our young documentary filmmakers do not come close to many social issues because of the usual misunderstandings".



حامد خورشیدی انشربیه روزانه

Special Report

اول از همه موضوع همه چیز را تعیین می کند، شما وارد ساخت یک فیلم مستند با یک موضوع مشخص شده‌اید که لابد بابت آن پژوهش کرده‌اید، طرح ایده‌های داده‌اید و وارد مرحله تولیدش شده‌اید. این شرط اول و کافی وافی ساخت مستند است بعداً اگر هر اتفاق پیش‌بینی نشده و ناگهانی بیفتد که فیلمساز احساس می کند می تواند به کانسپت اصلی اش کمک کند حتما باید از آن استفاده کند و به نظر من اصلاً استفاده نکردن از آن اشتباه است، حتی این مسئله در سینمای داستانی هم رایج است و زمانی که ممکن است همه چیز بجا از قبل بسته شده باشد اما ناگهان ایده جدید به ذهن سازنده می رسد و آن را به اثر اضافه می کند. به نظر من اصلاح جذابیت سینما در همین نکته است، شما ایده‌های دارید، ولی زمانی که تیر وهای تولید یکی یکی به تیتراژ اضافه می شوند ممکن است هر کدام با خودشان ایده‌هایی داشته باشند که بعضی از آن‌ها به شدت در پخته شدن اثر

خب واقعا نمی توان فرمول معین و مشخصی را در این زمینه ارائه داد ولی کاری که در این مستند انجام دادم را تشریح می کنم تا حداقل آدم‌ها با این پرونده آشنا شوند، من بیش از ۲۰ سال است دارم و همکار می کرده‌ام. این شناخت از هم خودش مهم‌ترین عامل است، وقتی من پیش از آن به قبل خودم یکی از مهم‌ترین اندیشمندان و پژوهشگران و موزیسین‌های عرصه موسیقی می‌شناسم قطعا ایشان هم یک سری شناخت نسبت به من، کار و موقعیتی که در آن هستم دارند، وقتی در همان ابتدا اعتماد دو طرفه جلب شد، گروهی که ایشان سرپرستی‌شان را بر عهده داشت هم پیرو اعتماد آقای درویشی به من اعتماد کردند، این پله اول برای آغاز کار است، بعد از این اعتمادسازی شیوه‌هایی شماست که مسیر آینده را مشخص می کند، شیوه‌هایی که در حین کار شروع می شود و تا آخرین لحظات مونتاز

قوی و ضعیف ندارم اما به نظر من در کلیت دیکته کردن اینکه بگویم فیلمی خوب باید است در شان سینمای مستند نیست.

شاید فلسفه ارزش‌گذاری مستندها در سراسر جهان به نوعی تشویق فیلمسازان و دادن انگیزه به آن‌ها برای ادامه مسیرشان باشد. از این جهت که می‌توان نگاه کرد.

به نظر من اصلاً این گونه نیست چرا که هیچ کس سینمای مستند را به دلیل تشویق یا این گونه مسائل انتخاب نمی‌کند و در آن نمی‌ماند. حداقل برای من و دوستانی که در این حیطه کار می‌کنند سینمای مستند یک جور نقد و فرهنگی یا اگر بخواهم کمی بالاتر بروم یک جور وظیفه فرهنگی است. به همین دلیل هم می‌گویم که انگیزه‌ها در این ندانند به مستندساز، با چنین روشی شاید بر خلاف سینمای داستانی نتایج‌ای در پی نداشته باشد. خوشبختانه در این

به عنوان یک مستندساز، فکر می‌کنید اصولاً سینمای مستند توانایی برقراری ارتباط گسترده با مخاطب عام را دارد؟

فکر نمی‌کنم در زمینه جذب مخاطب بتوان همان انتظاری را از سینمای مستند داشت که از سینمای داستانی داریم، نیت و اندیشه غالب سینمای داستانی مبتنی بر تفریح و سرگرمی سازی است در حالی که سینمای مستند سینمای اندیشه و کشف و تبیین ناشناخته‌هاست با چنین تفاوتی طبیعی‌تر می‌توان میزان مخاطب سینمای داستانی را برای مخاطبان بالاتر خودم به دست آورد اما به این نتیجه رسیدم که فیلم مستند را به مخاطب عرضه و او را با دنیای جدیدی آشنا می‌کند و از این تجربه جدید لذت می‌برد و باز می‌تواند هم بخواند بود. طبیعتاً حیطه مخاطب مستند و داستانی هم با حدود زیادی حیطه مشترکی

گفت‌وگوی ویژه



حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

به سرایده حکم کند وی همه را می‌باید در دادگاه قرار دهد. هم‌اکنون که تصمیمی راجع به این موضوع گرفته شده و منتظرید اتفاقاتی رخ دهد که در این حالت اصلا ماجرا متفاوت می‌شود.

شما در این باره چه می‌فکرید؟
 در این باره من هیچ‌گونه اظهارنظری ندارم. من در تمام فیلم‌هایم حتماً به اندازه‌ای اعتماد سبزو را کرده‌ام که حتماً این را خواهد دانست. من در تمام فیلم‌هایم حتماً به اندازه‌ای اعتماد سبزو را کرده‌ام که حتماً این را خواهد دانست. من در تمام فیلم‌هایم حتماً به اندازه‌ای اعتماد سبزو را کرده‌ام که حتماً این را خواهد دانست.

و وقتی من می‌خواهم در مورد موضوعی فیلم بسازم حتماً آن موضوع برای من مسئله و دغدغه است. سانسوری که خیلی‌ها از آن می‌ترسند و آن مشکل خود می‌دانند یک امر بی‌برونی و تا حدود زیادی سیاسی است که بر اثر فرهنگ و هنری اعمال می‌شود و ربطی به عرصه فرهنگ و هنر ندارد. کاری به دلایل این مسئله هم ندارم چرا که هر دلیلی می‌تواند داشته باشد. وقتی این سانسور مدام تکرار می‌شود به دلیل ضعف هنر مند تبدیل به خود سانسوری می‌شود. اینجا است که دیگر بحث سیاسی نیست، خود سانسوری یک مشکل فرهنگی است. به یک مشکل سیاسی، بحث من این است که من فیلمساز وقتی قرار است کاری را انجام دهم باید «آن» کار را انجام دهم، اگر بعد از آن امر بی‌برونی بر اثر تأثیر بگذارم که دیگر مسئله من نیست، آن‌ها حقوق می‌گیرند که این کار را انجام دهند، من به عنوان هنرمند که نباید کاری که آن‌ها برایش حقوق می‌گیرند را انجام دهم، به نظر ام اگر جوانان ما با چنین بحث‌هایی مواجه می‌شوند به دلیل عدم شناختن از این دو حیطه است. فیلمساز باید فیلمش را بسازد و اگر کسی قرار است فیلم، فیلمساز را دچار تغییراتی کند آن یک نفر خود فیلمساز نباید باشد.



و

عرصه سانسور
عرصه کنش
است ولی
خود سانسوری
عرصه واکنش
است. به نظر من
عادت کردن
به این واکنش
می‌تواند
بیشترین
ضربه را به یک
هنرمند بزند

و وقتی من می‌خواهم در مورد موضوعی فیلم بسازم حتماً آن موضوع برای من مسئله و دغدغه است. سانسوری که خیلی‌ها از آن می‌ترسند و آن مشکل خود می‌دانند یک امر بی‌برونی و تا حدود زیادی سیاسی است که بر اثر فرهنگ و هنری اعمال می‌شود و ربطی به عرصه فرهنگ و هنر ندارد. کاری به دلایل این مسئله هم ندارم چرا که هر دلیلی می‌تواند داشته باشد. وقتی این سانسور مدام تکرار می‌شود به دلیل ضعف هنر مند تبدیل به خود سانسوری می‌شود. اینجا است که دیگر بحث سیاسی نیست، خود سانسوری یک مشکل فرهنگی است. به یک مشکل سیاسی، بحث من این است که من فیلمساز وقتی قرار است کاری را انجام دهم باید «آن» کار را انجام دهم، اگر بعد از آن امر بی‌برونی بر اثر تأثیر بگذارم که دیگر مسئله من نیست، آن‌ها حقوق می‌گیرند که این کار را انجام دهند، من به عنوان هنرمند که نباید کاری که آن‌ها برایش حقوق می‌گیرند را انجام دهم، به نظر ام اگر جوانان ما با چنین بحث‌هایی مواجه می‌شوند به دلیل عدم شناختن از این دو حیطه است. فیلمساز باید فیلمش را بسازد و اگر کسی قرار است فیلم، فیلمساز را دچار تغییراتی کند آن یک نفر خود فیلمساز نباید باشد.

کار انتخاب کرده‌اید حرکت کنید. من در تمام فیلم‌هایم حتماً به اندازه‌ای اعتماد سبزو را کرده‌ام که حتماً این را خواهد دانست. من در تمام فیلم‌هایم حتماً به اندازه‌ای اعتماد سبزو را کرده‌ام که حتماً این را خواهد دانست.

کار انتخاب کرده‌اید حرکت کنید. من در تمام فیلم‌هایم حتماً به اندازه‌ای اعتماد سبزو را کرده‌ام که حتماً این را خواهد دانست. من در تمام فیلم‌هایم حتماً به اندازه‌ای اعتماد سبزو را کرده‌ام که حتماً این را خواهد دانست.

نیاز سینمای مستند به بخش خصوصی



من کارگردانی هستیم که به اجبار تهیه‌کنندگی کارهای خودم را انجام می‌دهم و الا هم تهیه‌کننده کارگردانی هستیم که به اجبار فیلم خودم را بخش هم می‌کنیم. خودم هیچ وقت از این مسئله راضی نبودم چرا که طرف تهیه‌کنندگی ما هم کارگردانی‌ام هستیم. در جدل بوده است ولی فعلاً باید با این شیوه‌ها پیش بروم. سینما یک چرخه است از مرحله سرمایه‌گذاری و تولید شروع می‌شود و مرحله بخش و نمایش و فروش این چرخه کامل می‌شود. ما در سینمای مستند ایران متأسفانه رشد واقعی نداریم. جریان غالب سینمای مستند ما به پول معمولی و وابسته است یعنی سانسوری می‌کنند. باید تولید کرد و پول کسب کرد. پول که توان دادن پول را دارد. یکبار از دولتی است که بازگشت پول برایش اهمیت چندانی ندارد. به نظر من مشکل مستندسازی ما زمانی حل می‌شود که مراحل چرخه فیلمسازی‌اش کامل شود و این اتفاق رخ نمی‌دهد جز با باور پرو دادن به بخش خصوصی.

سازمان سانسور و مستندسازی‌ها در آمد آنچنانی ندارند. این حرف شما کمی با این نظر به همیشه جاری کمی تضاد دارد. یعنی به نظر شما در حال حاضر مستندسازی می‌تواند از این طریق زندگی‌اش را تأمین کند؟ چرا که خیلی وقت‌ها دیده و شنیده‌ایم که مستندسازان برای تأمین هزینه‌هایش مجبور بود دادند از بسبب سانسور از این راه‌ها خود در این زمینه (موضوع تا ساختن) را کنار بگذارند.

خب گاهی هم ممکن است این اتفاقی که شما گفتید برای مستندساز رخ دهد ولی یادتان باشد در هر مثالی این خطر وجود دارد ولی اگر نخواهیم از ایده‌ها صحبت کنیم و فقط به حقیقت محض بپردازیم راحت می‌توانیم این را به شما بگویم که شما می‌توانید مستندسازی را به عنوان شغلی انتخاب کنید. علی‌رغم شناختی که از همه فضای اقتصادی و مشکلات متعددی که این حرفه دارد می‌توانید در مسیر زندگی خودتان ادامه دهید.

در مسیری که «شش قرن» شش سال «شما بزرگانی را جلوی دوربین آوردید که شاید مستندسازان زیادی در زمینه‌های مختلف آرزویشان باشد از آدم‌هایی در این میزان اعتبار را برای مستندی که می‌سازند استفاده کنند. آیا در مستندسازی جلب اعتماد آدم‌هایی که سطح و اندازه و بالایی دارند روش خاصی دارد؟



پخش شدن فیلم به هر قیمت نباید برای مستندساز دغدغه باشد. من فیلم‌های زیادی دارم که هیچگاه اجازه پخش نیمنان کرده‌اند البته یک زمانی هم شخصی به عنوان تهیه‌کننده تا یکبار کار دولتی فیلم شما را تهیه می‌کند در این حالت شما مجری نظرات تهیه‌کننده هستید و او به شما اجازه می‌دهد که کاری را انجام دهید یا نه. هنرمند و نویسنده سینمای مستقل فعالیت می‌کنند و باید حواسشان باشد که در وقت و عمر و سرمایه‌های شخصی‌شان را صرف می‌کنند. شما می‌توانید هیچ وقت وارد ساخت آثار مستقل مستند نشوید ولی وقتی شدید دیگر نباید تن به امر خود سانسوری بدهید. فیلمساز باید فیلم خودش را بسازد و بعد منتظر بنشیند ببیند در نهایت چه اتفاقی برای آن می‌افتد. عرصه سانسور عرصه کش است ولی خود سانسوری عرصه واکنش است و آنچه به چیزهایی که من از دنیای فرهنگی و هنری یاد می‌کنم به نظر من به این واکنش می‌تواند بیشترین ضربه را به یک هنرمند بزند.

■ نام فیلم: در احوال مهر
 ■ کارگردان: فرشاد احمدی دستگردی
 ■ درباره فیلم: در احوال مهر، روایتی از زندگی استاد محمد مهریار نویسنده، مترجم و محقق فقید با محوریت اخلاق و رفتار این بزرگ اصفهانی است. این مستند تلاش کرده تصویری جامع از فعالیت وی که عمرش را برای خدمت به فرهنگ، تاریخ و ادبیات کشورمان صرف کرد، نشان دهد. استاد محمد مهریار تاثیر زیادی در فرهنگ معاصر اصفهان داشته است.



این شهر تو را دوست دارد

فراز و فرود مستند در احوال مهر از زبان کارگردان

نقش و تاثیر استاد محمد مهریار در فرهنگ اصفهان بی‌بدیل است. ایشان استاد دانشکده ادبیات استان اصفهان و سال‌ها هم معاون همین دانشکده بوده و در این سمت هم دستاوردهای زیادی به یادگار گذاشت. استاد مهیار جزو اولین کسانی است که روان‌شناسی بالینی و کودک خواند. تحصیلات حوزی بالایی هم داشت اما هیچ‌وقت لباس روحانیت نپوشید. او همچنین پایه‌گذار و رئیس انجمن فردوسی اصفهان بود که یکسری مجموعه تالیفات هم در این زمینه دارد. با وجود فعالیت‌هایی که به آن اشاره شد اما آنچه که در این مستند مدنظر قرار گرفت خصوصیات اخلاقی و رفتاری ایشان بود. من سال‌ها استاد مهیار را می‌شناختم و او را علاوه بر انسان عالم بسیار خوش رفتار می‌دانستم. استاد در کل فرد دوربین‌گریزی بود و درباره خودش حرف نمی‌زد. برای همین طول کشید تا بتوانیم ایشان را راضی کنیم تا در ساخت مستند ما را همراهی کند. ایشان سرانجام در آخرین روزهای حیاتش پذیرفت و بر ما منت گذاشت. چند روز فیلمبرداری کردیم و متأسفانه دو سه روز بعد از آن استاد مهیار فوت کرد و مجبور شدیم از تصاویر آرشیوی استفاده کنیم. با این حال درباره خود ایشان و شخصیتی که داشت اطلاعات کامل داشتیم. این فیلم در ۸۴ دقیقه آماده شد که برای تکمیل شدن نزدیک به یک سال مشغول آن بودیم. ابتدا نام فیلم را «این شهر تو را دوست دارد» گذاشتیم که بعد از مشورت با همکاران به نام فعلی «در احوال مهر» رسیدیم. فیلم بعد از ساخت بیشتر حالت شخصی گرفته بود و متوجه شدیم در «احوال مهر» بهترین نامی است که می‌شود روی چنین ساخته‌ای گذاشته شود.

زیر پوست شهر

محمد کارت با مستند بلند «بختک» به میان ساکنان طبقه پایین شهری شیراز رفته و مشکلات و معضله‌های رفتاری آنها را به تصویر کشیده. بختک دومین فیلم این کارگردان جوان پس از خون‌مردگی با چنین موضوعی است

احمد رضا حجاززاده

am.mehr289@gmail.com

در کشور ما ساخت مستندهایی که با موضوع‌های ملتهب روبه‌رو هستند، نیازمند جسارت و شاید کمی شجاعت باشد؛ مصالحی که گویا «محمد کارت» از آنها برخوردار بوده و به همین خاطر در دو مستند اخیر خود آنها را دست‌مایه قرار داده است. «بختک» مضمونی اجتماعی دارد و در زندگی خصوصی برخی از زنان جنوب شهری شیراز کنکاش می‌کند.

ساخت فیلم «بختک» از کجا شروع شد؟ چه شد به سراغ این موضوع رفتید؟

دغدغه ساخت این مستند به آشنایی من با فضا و مضمونی برمی‌گردد که در فیلم از آن حرف می‌زنم اما ایده‌اش از پس تولید فیلم قبلی من «خون‌مردگی» می‌آید. وقتی آن فیلم را ساختم، احساس کردم از این جنس آدم‌ها و فرهنگ‌شان می‌شود فیلم دیگری ساخت. فکر کردم برای فیلم بعدی‌ام سوژه خوبی است. می‌خواستم تلاش کنم یک فیلم رو به جلوتر از نظر مضمون و ساختار بسازم که آن موضوع، چنین امکانی به من می‌داد. سپس تلاش کردم برای یافتن تهیه‌کننده. در فیلم «آزادی مشروط» من با رامبد جوان هم‌بازی بودم. آنجا فیلم «خون‌مردگی» را دادم به ایشان دیدند. وقتی طرح بعدی‌ام را برای او توضیح دادم، خیلی دوست داشت. بنابراین با هم صحبت کردیم و به نتیجه رسیدیم که ایشان تهیه‌کننده فیلم «بختک» باشند.

چطور «بختک» از دل «خون‌مردگی» بیرون آمد؟

به هر حال آن فیلم درباره یک خرده‌فرهنگ در پایین شهر شیراز بود که می‌تواند در شهرهای دیگر هم به شکل و نمونه‌های مختلف وجود داشته باشد. در مورد نوعی

از آدم‌هاست که تفکر خاص خودشان را دارند. آن مستند به موضوع فرهنگ کمپنیزمی می‌پرداخت که زمان وقوع فیلم هم در شب‌های محرم بود، یعنی زمانی که این فرهنگ پررنگ‌تر می‌شود.

آیا می‌توان مستند «بختک» را به نوعی ادامه‌ای بر فیلم «خون‌مردگی» دانست. یا هر کدام یک اثر مستقل هستند؟

من تمام تلاش‌م را کرده‌ام که هر کدام به صورت مجزا حرف‌های خودشان را داشته باشند اما چون جغرافیای فیلم در هر دو اثر یک جاست و سبک زندگی و منش آدم‌ها در این دو مستند، شباهت‌هایی به هم دارند، می‌توانند در کنار هم یک گروه کامل بشوند، ولی این که به هم وابسته باشند، نه، این طور نیست. با این حال، آنها که «خون‌مردگی» را دیده بودند، حظ بیشتری از فیلم «بختک» می‌برند.

پژوهش فیلم چقدر طول کشید و روی چه مباحثی تحقیق کردید؟

پژوهش درونی و مضمونی فیلم، از زمانی است که من به دنیا آمدم، چون خودم متولد شیرازم و این فرهنگ و سبک زندگی را می‌شناسم اما به طور مشخص پژوهش درباره این فیلم، مربوط است به پایان تولید «خون‌مردگی» در سال ۹۱ از

■ نام فیلم: بافندگان خیال
 ■ کارگردان:

سیدمحمدصادق جعفری

■ درباره فیلم: بافندگان خیال داستان چند نابینا را به تصویر می کشد که در حال قالی بافی هستند. آنچه که بیشتر در ساخت این مستند مدنظر است نحوه زندگی این نابیناها با یکدیگر است نه نحوه بافتن فرش. اینکه چند نابینا چطور در کنار هم زندگی و کار دارند در ۲۳ دقیقه به تصویر کشیده شده است.



زندگی جاری است

بافندگان خیال از نگاه محمدصادق جعفری

پده ساخت بافندگان خیال به ۱۰ سال پیش بازمی گردد که در کارگاهی چند نابینا را مشغول فرش بافی دیدم. بعد از آن با کسانی که در آنجا کار می کردند تباط برقرار کردم و تصمیم به ساخت زندگی شان کردم. اسم بافندگان خیال را هم مهدی نادری پیشنهاد داد که قرابت زیادی با مضمون فیلم داشت. ساختار کار «بافندگان خیال» به شکل مستند بازسازی است. ۱۰ سال پیش با این نابینان آشنا شدم ولی پس از مراجعه مجدد به کارگاه قالی بافی متوجه شدم این مکان تعطیل شده است. این نکته باعث شد فیلم به صورت بازسازی تصویربرداری شود. برای شروع کار فیلمنامه مشخصی داشتیم که براساس آن جلو رفتیم. البته در طول ساخت، کار تغییرات اندکی هم پیدا کرد. فضای کار همراهی تعدادی از این شخصیت های نابینایی است که قالی بافی می کنند. هر بار با یکی از آنها همراه می شویم، گوشه ای از زندگی اش را می بینیم و بار دیگر به کارگاه قالی بافی برمی گردیم. نکته جالب در این مجموعه این بود که آنها با خط بریل کار می کردند و نقشه ها را با این خط می کشیدند و براساس آن قالی بافی می کردند. ساخت فیلم سه سال به طول انجامید اما سه سال مداوم نبود بلکه به خاطر تکمیل تحقیقات مجبور شدیم این زمان را برای ساخت فیلم در نظر بگیریم.

مستندساز دستی

Under the Skin of the City

Mohammad Kart tells the story of working class residents of Shiraz (capital of Fars Province) and their hardship and behavioral problems in his recent full-length documentary, 'Kabus'. This is his second film made on the subject of social issues. Many documentary filmmakers are interested in social topics because of their interesting, various aspects. Making documentaries about critical issues needs audacity and a little bit of courage and it seems Mohammad Kart has got such features. That's why he has made his two documentary films based on these sensitive topics. In 'Bruise', he studied the lower-class culture in urban areas and this time, as a sequel to his previous work, Kart looks for personal lives of the women belonged to this social class. "It's about some people who think in their own way. I did my best that the two films have something different to say", the director explains.



و دور از دسترس بودن هاست که باعث می شود تماشاگر از دیدن فیلم لذت ببرد. زمانی که تماشاگر احساس کند چیزهایی را در فیلم می بیند که در زندگی حقیقی اش نمی تواند آنها را کشف و شهود کند، این ها می شود فضیلت های یک مستند که برای تماشاگر فایل جدیدی از زندگی اجتماعی باز کرده.

ساختار مستندتان چگونه است؟ «بختک» یک مستند مشاهده گر است یا در آن از مصاحبه و گفتار متن هم استفاده کرده اید؟

نه، «بختک» یک مستند بی واسطه است و تلاش نمی کند بر مسائل تئوریک سینمایی مستند صحنه بگذارد. الان چهار چوبی نمی بینم که بگویم مستند من مشاهده گر است یا تعاملی یا بی واسطه. «بختک» یک فیلم است که تلاش کرده ایم زبان سینما در آن روایت بشود، ولی بیشتر احساس و درک و ارتباطی را که فیلمساز با محیط برقرار کرده، در شکل سینما بازمی بیند. نمی توانم اسم مشخصی روی ساختار فیلم بگذارم؛ فیلمی که تلاش شده از فرمت های کلیشه ای تلویزیونی دور بشود و روایت و ساختار و کاراکترها و نوع چیدمان فضا، چه در تولید و چه تدوین، به شکل سینمایی روایت بشود، یعنی تماشاگر با یک مستند سینمایی ارتباط برقرار کند، نه مستندی گزارشی از یک ماجرا و موقعیت و سبک زندگی.

پیش از این به عنوان بازیگر، در فیلم های داستانی حضور داشته اید. با توجه به آن سابقه و توضیحتان که قرار نبوده یک مستند گزارشی بسازید، تجربه های حضور در آثار داستانی به شما کمکی می کرد که مستندتان داستان گو باشد؟

بی شک همین طور است. این خیلی تاثیر گذار بوده که من فرصت بازی در فیلم های داستانی، کارگردان های مهم را داشته ام و در پشت صحنه فیلم هاشان، نکته هایی را یاد بگیرم. اما نکته ویژه ای که به نظر من برخی از مستندسازان نبودش رنج می برند، این است که برای هر نوع مخاطبی با هر نوع سبک فکری باید داستانی داشت، چون انسان علاقه دارد که قصه گوش بکند. به قصه علاقه بیشتری نشان داده؛ قصه ای که به واسطه آن، مضامینی را برداشت بکند. تلاش من این بوده که روایت فیلم، قصه آدم ها باشد، یعنی تماشاگر فقط یک شهود در زندگی آنها نکند. یک درام اتفاق بیافتد که کشش ایجاد کند و در طول ۶۵ دقیقه فیلم، تمام نکته های دراماتیک مانند عشق، خشونت، نفرت استفاده بشود.

زمانی که پس تولید آن در ابتدای سال ۹۲ تمام شد، به این فکر بودم که فیلم بعدی را بسازم. کم کم شروع کردم به پیدا کردن آدم ها و از میان شان انتخاب کردم. بعد وارد گفت و گو و رفاقت شدیم تا به بودن من و دوربین در کنارشان عادت کنند. اوایل بهمن ماه ۹۲ تصویربرداری و تولید را شروع کردیم و در پایان فروردین ۹۳، پس از شانزده جلسه تصویربرداری کار به اتمام رسید.

سوژه هایی که برای مستندسازی انتخاب می کنید، جذاب اما خطرناک و حساسیت برانگیزند، چون شما سراغ آدم ها و طبقه ای می روید که با فرهنگ و هنر بیگانه بآن نسبت به آن حساس اند و احتمال دارد واکنش های تندی به دوربین و فیلمسازی نشان بدهند. همان طور که حین ساخت «خون مردگی» چندبار با چنین حوادث و برخوردهایی روبه رو بودید. در مستند «بختک» هم با چنین مشکل هایی مواجه شدید؟

به نظر من ساخت این جنس مستندها که با علوم انسانی و زندگی شخصی آدم ها سر و کار دارد و آدم ها را با خودشان روبه رو می کند، خیلی سخت است. در کل بردن دوربین به زندگی شخصی هر آدمی با هر فرهنگی دشوار است. حتی اگر بخواهید درباره زندگی شخصی یک کارگردان سینما مستند پر تره بسازید، وقتی دوربین به زندگی شخصی او می برید، تحمل نمی کند. سختی کار مستند همین است که شما بخواهید با یکسری از آدم ها سر و کله بزنید. آن گونه از مستندی که دغدغه من است و بیشتر با آن ارتباط برقرار می کنم، اینست که بی پرده باشد، با آدم ها روراست و صریح باشد و قضاوت نکند. چنین مستندهایی متکی بر آنست که بیشتر در زندگی خصوصی آدم ها دخل و تصرف داشته باشید. در حقیقت فیلم شما باید نه زندگی خصوصی آنها، که روی دیگری از زندگی شان را به تصویر بکشد. در دو مستند خون مردگی و بختک، پیش تولید خیلی سخت تر از خود تولید بود؛ این که شما چه آدم هایی را انتخاب و آنها را راضی کنید که با شما همکاری کنند. در محله و فضایی که ما کار می کردیم، دوربین غریبه بود و آنها آدم های غریبه را بر نمی تابند. درست زمانی که ما با آدم ها به توافق رسیده ایم درباره شان فیلم بسازیم، اتفاقی می افتد و یکی از آنها تحمل نمی کند، حمله می کند و لحظه متشنجی پیش می آید و همه چیز به هم می ریزد اما با تمام این تفاسیر، همین سختی ها



مستند
کوتاه

نام فیلم: نو

کارگردان: مینا مشهدی

درباره فیلم: فیلم مستند «نو» به آیین باستانی نوروز می‌پردازد. داستان از این قرار است که در روستایی از کویر مرکزی ایران و در نزدیکی شهر یزد برپایی جشن نوروز و انتخاب کدخدای جدید روستا، همزمان شده. کدخدا نمادی از «جمشید» پادشاه اساطیری ایران است و مردم آیین نوروز و انتخاب کدخدا را با هم جشن می‌گیرند.



آیین نوروز

مینا مشهدی از حال و هوای نوروزی «نو» می‌گوید

پیش از ساخت «نو»، مستندی به نام «وهوم» به سفارس مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی درباره نگاره‌های کهن که به تعزیه ایرانی راه یافته‌اند، ساخته بودم. خوشخانه این مستند مورد توجه قرار گرفت و جوایزی کسب کرد. این موفقیت سبب پیشنهاد دیگری از سوی مرکز شد، تامستندی درباره آیین نوروز ساخته شود. با توجه به اینکه پرداختن به نوروز، به عنوان یکی از کهن‌ترین، ماندگارترین و زیباترین آیین‌های ایرانی، از دلمشغولی‌های همیشگی من بود، ساخت مستند «نو» را آغاز کردم. در شاهنامه و نوروزنامه و منابع دیگر «جمشید» پادشاه ایرانی را بنیانگذار نوروز می‌دانند و فیلم «نو» نیز به این جشن آیینی و اسطوره «جمشید» نگاهی پژوهشی دارد. از آن جایی که بیشتر در مناطق یزد و کرمان کار می‌کردم و از نزدیک با مردم این ناحیه آشنا بودم، فکر می‌کردم آیین نوروز در روستای کهن «زین‌آباد» غنا و اصالت بیشتری دارد و به همین دلیل این منطقه را برای ساخت «نو» انتخاب کردم. همانطور که می‌دانیم شالوده آیین نوروز در بیشتر مناطق ایران و حتی کشورهای همسایه یکی است؛ نوروز جشنی است که در آن نوزایی طبیعت اتفاق می‌افتد و بیدار شدن آب و خاک و رویش و سرسبزی را نوید می‌دهد. این آیین‌ها به صورت کلی در سراسر کشور به یک شکل برگزار می‌شود اما خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی را در هر منطقه شاهد هستیم. مادر «نو» بخشی از جزییات برگزاری آیین نوروزی را در «زین‌آباد» به تصویر کشیده‌ایم.

یادش بخیر کبوتران چاهی

«طبیعت نیمه‌جان» روایتی است از مرگ تدریجی محیط زیست، امیر عبداللهمی می‌خواهد با این فیلم به مخاطبان تلنگری بزند

زهرا عباسی

abbasi2222@gmail.com

نخستین پیامد گسترش کلان شهرها از بین رفتن محیط زیست است. حال در تهران این گسترش به مرز هشدار رسیده و همچنان اتفاقاتی در گوشه و کنار محل زندگی‌مان می‌افتد که بی تفاوت و یا تنها با تکان دادن سر و کشیدن یک آه، از کنار آن می‌گذریم. یکی از همین اتفاق‌های به ظاهر کوچک هم در دنیای اطراف امیر عبداللهمی افتاد تا ذهنش را مدت‌ها درگیر کند و سرانجام به یک مستند تبدیل شود: «طبیعت نیمه‌جان».

و کامل نوشتیم که ترکیبی از رویدادهای واقعی و بازسازی شده بود. ما در بخش‌های بازسازی شده یک شخصیت اصلی داریم که در واقع فیلم از زبان او برای مخاطبان روایت می‌شود. محدوده تخیل من نیز مربوط به همین صحنه‌های بازسازی شده است که براساس رخدادهای واقعی و با هدف نزدیک‌تر کردن مخاطب به واقعیت موجود، طراحی شده‌اند.

به نظر شما چرا باید درباره محیط زیست مستند ساخت؟

امروزه بحران ارتباط با طبیعت مسئله مهمی برای همه جوامع است زیرا حفظ طبیعت و محیط زیست علاوه بر اینکه به نیازهای فیزیولوژیک انسان مربوط می‌شود، در سلامت رفتار و روانشان نیز تاثیر می‌گذارد. از این رو باید با ابزار و روشی که می‌توانیم این زنگ خطر را به صدا درآوریم.

ماجرای «طبیعت نیمه‌جان» چیست؟

این مستند با رویکردی روایی به نقش و تاثیر حضور پرندگان در زندگی شهرنشینی می‌پردازد.

دلیل تعلق خاطر شما به پرندگان چه بود؟

چند سال پیش در محله‌ای از تهران زندگی می‌کردم که هر روز صبح هنگام خروج از خانه این شناس را داشتیم که با انبوهی از کبوتران چاهی روبه‌رو شوم. آن‌ها با اشتیاق در میدانگاهی کوچک نزدیک خانه جمع می‌شدند تا از دانه‌هایی که اهالی محل برایشان ریخته بودند، تغذیه کنند. دیدن این صحنه در ابتدای روز برایم لذت بخش بود و حتی گاهی به نیت ملاقات با کبوتران از خانه بیرون می‌رفتم.

چه شد که تصمیم گرفتید درباره این پرندگان مستند بسازید؟

مدتی بعد برای یک سفر چند روزه تهران را ترک کردم و پس از بازگشت با صحنه دردناکی روبه‌رو شدم. شهرداری آن منطقه بدون توجه به فضایی طبیعی شکل گرفته برای ساختن آب‌نما، میدانگاهی را تخریب کرد و همه کبوتران از آن جا رانده شدند. این اتفاق مدت‌ها ذهن مرا مشغول کرد که چرا ما برای ساخت و سازهای شهری از فضاهای طبیعی موجود، بهره نمی‌گیریم؟ تا اینکه وقتی قرار شد فیلم کوتاهی درباره تهران بسازم به سراغ این موضوع رفتم.

آنچه در فیلم به نمایش در می‌آید با هدف اولیه تان همخوانی دارد؟

یکی از مهمترین ویژگی‌های فیلم مستند، فرایند رشد و تکوین آن از لحظه شکل‌گیری ایده تا مراحل نهایی تدوین و صداگذاری است. فیلمساز نباید به هدف اولیه که معمولاً خام و سطحی است اکتفا کند زیرا دیدگاه او هم در طول مسیری که برای ساخت فیلمش طی می‌کند، شفاف‌تر و عمیق‌تر خواهد شد. کار ما هم در فیلم کوتاه «طبیعت نیمه‌جان» همین طور بود و آنچه در این مستند می‌بینیم برآیند مسیری است که پشت سر گذاشتیم.

تخیل شما چقدر در این مستند سهم دارد؟

با توجه به موضوع فیلم این امکان را داشتیم که به سراغ قالب «مستند داستانی» برویم و یکی از جذابیت‌های این شیوه از مستندسازی استفاده از تخیل برای رسیدن به حقیقت است. به همین دلیل پس از مرحله پژوهش یک فیلمنامه دقیق

A Cultural Responsibility

Mojtaba Mirtahmasb, the acclaimed filmmaker of the documentary 'Six Centuries, Six Years' talks on difficulties and problems that many documentary filmmakers are dealing with. "The dominant aim and idea of fictional film is based on fun and entertainment, while documentary cinema is the cinema of reflection, explanation and discovery of the unknowns".

نیچه بلند مستند



In Search of Truth

Farhad Varahram, one of the most acclaimed Iranian filmmakers, portrays the local people of southern Iran in his recent experience of documentary filmmaking. Born in 1948, he started his artistic work since 1973. But, he still feels enthusiastic to make new films. "Since I've been to southern Iran many times, I was aware of the differences of this area and its residents. I've always had this question that where they come from. So I wanted to know more about them", he says about 'Afro Iranian'.

Iranian Cinema

No.5 Thurs, 4th Dec 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

می خواستم بیشتر بدانم

فرهاد ورهرام در تازه ترین تجربه مستندسازی خود تاریخچه «سیاهان جنوب ایران» را سوژه کرده است. او از ویژگی های این فیلم و چگونگی ساخت آن می گوید

محمد صابری

m.saberil63@gmail.com

فرهاد ورهرام متولد سال ۱۳۲۷ است و از سال ۱۳۵۲ فعالیت هنری خود را آغاز کرده است. با این حال این مستندساز پیشکسوت هنوز برای ساخت فیلم های تازه اش شور و حال دارد و با پشتکار برای به سرانجام رساندن آن ها تلاش می کند. داستان به سرانجام رسیدن مستند «سیاهان جنوب ایران» هم از همین جنس بوده است.

در جستجوی یک پاسخ

ورهاد در باره سابقه شکل گیری ایده این مستند در ذهنش می گوید: «از آنجا که بسیار به جنوب ایران سفر می کردم و حتی پیش از انقلاب تحقیقات «صیادان بلوچ» را آغاز کردم و تولیدش به سال های ۶۱ و ۶۲ افتاد، به عنوان یک عکاس یا حتی یک محقق همواره متوجه تفاوت ها در این منطقه بودم و همواره این سوال را داشتم که این ها از کجا آمده اند و می خواستم بیشتر درباره شان بدانم. این مسئله مدت ها در ذهنم بود و هر چه مطالعه و پیگیری می کردم می دیدم درباره سیاهان ایران در محدود مواردی غیر از اشاره به برده و برده داری و مسائلی از این دست، هیچ اطلاع کلی درباره کیفیت زندگی این ها ارائه نشده است. مگر اشاراتی که در کتاب بسیار خوب مرحوم ساعدی به نام «اهل هوا» شاهدش هستیم که آن هم بیشتر ناظر به آیین ها و مراسم این گروه است. در همین کتاب البته اشارتی به این مسئله است که این سیاهان از زنگبار و افریقا به ایران آمده اند.»

استمرار یک تلاش

کنجکاوی ورهاد در مقام یک مستندساز همچنان ادامه داشت تا اینکه «دیدم غیر از منابعی که درباره برده داری است هیچ منبع جدی ای درباره اینکه واقعا این ها از کجا به ایران آمده اند در دست نبود. از سوی دیگر برخی تاریخ نگاران از این زاویه سعی در القای مسئله را داشتند که در ایران هم دوره برده داری وجود داشته در حالی که اصلا اینگونه نبوده است.» و با همین پشتوانه طرح اولیه مستند «سیاهان ایران» آماده ارائه شد و امسال در جشنواره هشتم رونمایی می شود.

چرا کار در میانه متوقف شد؟

«سیاهان جنوب ایران» مدتی متوقف بود و مقداری طول کشید تا دوباره ساخت آن از سر گرفته شود. ورهاد دلیل

پیش حتی از دوره امپراطوری های قبل از اسلام در ایران بوده اند و ایرانی اصیل محسوب می شوند البته به دنبال شعارهای آریایی و ادعاهایی از این دست نیستیم. در هر حال واقعیت این است که این سیاهان حتی قبل از اقوام ترک زبان و عرب زبان در کشورمان بوده اند. البته بخشی از آن ها با سرپازان اسلام به ایران آمدند. وقتی که اسلام گسترش پیدا کرد از افریقا، الجزایر، لیبی، تونس و مصر سیاهانی به سپاه اسلام پیوستند. نمونه بارز آن هم بلال حبشی مؤذن پیامبر اسلام (ص) است. اینها به ایران می آیند و برخی ماندگار می شوند و حتی در مقطعی ۱۰ تا ۱۲ ساله حکومت زنگیان را تشکیل می دهند که بعدها سرکوب می شوند. این شرایط ادامه داشته تا دوره پرتغالی ها که برده هایی را به ایران آوردند. حتی زائران ایرانی که به حج می رفتند از سرزمین های عرب غلام یا خود به همراه می آوردند. این سنت گسترده نمی شود و هیچ گاه در ایران بازارهای برده داری آنگونه که در فیلم ها دیده اید وجود نداشته است اما هنوز آثاری از آن رسم وجود دارد. خیلی ها فکر می کنند سیاهان همه یا ماهی گیر هستند یا کارگر در حالی ما از استاد دانشگاه تا مهندس شرکت نفت و هنرمند در میان سیاهان داریم. این فیلم به طور کلی معرفی مناطقی است که سیاهان ایران در آن ساکن هستند که شامل خوزستان، بوشهر، هرمزگان، جنوب کرمان و سیستان و بلوچستان است.»

آن را اختلاف نظر با مدیران سابق عنوان می کند: «دلیل این اختلاف این بود که اصرار داشتیم برخی مراسم های خاص سیاهان مانند مراسم ویژه ای که برای اربعین برگزار می کنند در این مستند باشد اما مدیریت مرکز اصرار داشت که این مستند به جشنواره برسد و کمی وزن تولیدات مرکز سنگین تر شود. در قبال این اصرار کار را متوقف کردم و گفتم انجام نمی دهم. چندبار نامه نگاری انجام دادیم تا اینکه دوره مدیریت قبل به پایان رسید و آقای طباطبایی نژاد به مرکز آمدند. در دوره جدید و بعد ۷ تا ۸ ماه تعطیلی کار مجدد از سر گرفته شد. البته بخش زیادی از کار ضبط شده بود و تنها دو بخش کوچک مانده بود. اربعین سال گذشته تصاویر این بخش ها را هم گرفتیم و از همان مقطع کار تدوین هم به صورت هم زمان آغاز شد.»

«سیاهان ایران» از چه می گوید؟

«سیاهان ایران» از چه می گوید؟ این سوال خیلی از علاقه مندان سینمای ورهاد است: «در این مستند به دنبال این بودم که نشان دهم این سیاهان از خیلی وقت

واکنش های احتمالی

در مواجهه با این قبیل آثار مستند همواره نگرانی از برخی بازتاب ها و واکنش ها وجود دارد، کارگردان «سیاهان جنوب ایران» اما معتقد است: «باید به این نکته توجه داشته باشیم که «سیاهان» یک قوم خاص نیستند و این مستند را نمی توان به آنچه در سینمای ما به غلط سینمای قوم نگاری خوانده می شود مرتبط دانست. علاوه بر این سیاهان ایران در نقاط مختلفی هستند و غالبا خاستگاه قومی مشخصی نداشته اند و به هر منطقه ای که رفته اند به دین و زبان آن منطقه در آمده اند. در خوزستان عرب شده اند در بوشهر زبان محلی پیدا کرده اند و در کرمان لهجه کرمانی دارند و در بلوچستان کاملا بلوچ شده اند. در واقع هویت واحدی به اسم سیاهان ایران نداریم. حتی این ها در برخی مناطق تشیع پیشه کرده اند و در مناطق دیگر به اهل تسنن پیوسته اند. این فیلم برای نخستین بار به معرفی پهنه جغرافیایی زندگی این سیاهان و نوع زندگی و معشیت آن ها می پردازد.»

اصل مطلب

سینما حقیقت در پیوند با هنر عکاسی

نخستین باری که دوربین به دست گرفتم خیلی بچه بودم. به گمانم ۱۰ سال پیشتر نداشتم. خودم هیچ پولی برای خریدش نداشتم، اما یک روز در یک فروشگاه مشغول چرخ زدن بودم که ناگهان یک دوربین مدل جدید به قیمت ۳۵ سنت چشتم را گرفتم. خیلی ریزه میزه بود، اما می شد باهاش عکس گرفت. آرزو داشتم یک دوربین فیلمبرداری داشتم و آن وقت می توانستم یکسره از اعضای خانواده ام و اتفاقات دور و برم فیلم بگیرم. یادم می آید یک بار کار خیلی بدی کردم و پدرم مرا با کمر بند زد. اما نه آنقدر محکم که درد بگیرد. این موضوع خیلی آزارم ندارد، اما کمی بعد وقتی داشتم در خانه قدم می زدم و اتفاقی از جلوی اتاقش رد شدم دیدم پدرم سرش را به دیوار اتاق چسبانده و در حال اشک ریختن است. آدم این چیزها را فراموش نمی کند. حتی با ساخت فیلم مستند هم نمی توان به چنین لحظه تکانه‌دهنده‌ای کاملاً نزدیک شد. در این جا با دو نوع حقیقت مواجه می شویم. یکی مواد خام است، که همان راش‌های فیلم است؛ نوعی حقیقت بی درنگ که در ادبیات در قالب خاطرات روزانه با آن مواجه می شوید، هیچ کس قدرت دخل و تصرف در آن را ندارد. و بعد نوع دیگری از حقیقت وجود دارد که از طریق کنار هم نهادن و بیرون کشیدن عصاره مواد خام و تبدیل آن به یک فرم روایی منسجم و معنادار، می توان به آن دست یافت. در «سینمای بی واسطه» (سینماحقیقت) ما تلاش می کنیم به سؤالی که وبرجینا وولف در ۱۹۲۶ در یکی از مقالاتش مطرح کرد پاسخ دهیم. پرسش این بود که اگر سینما را با تمام شیوه‌ها و تهمداتش به حال خود واگذاریم و از دخل و تصرف چشم‌پوشیم آن وقت با چه جور سینمایی مواجه خواهیم بود. تصور می کنم پاسخ این پرسش این است که وقتی مستند به درستی ساخته و پرداخته شده باشد، می تواند واقعیت را صادقانه تر و اصیل تر از هر رسانه دیگری از نو نقل کند. فیلم مستند اگر به درستی تمرین شود، آن وقت بیش از هر چیز به هنر عکاسی شباهت می یابد و از فیلمبرداری فراتر می رود.

یادداشت



آلبرت میزلس
مستندساز و مدیر فیلمبرداری

Albert Maysles



گزارش

در بزرگداشت هدی هانیگمان

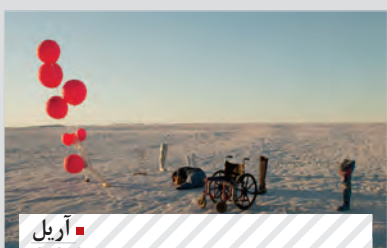
آخرین روز کارگاه‌های تخصصی جشنواره سینماحقیقت با حضور مغتنم هدی هانیگمان، مستندساز برجسته هلندی با تمرکز بر فن گفت و گو برگزار شد

علی اکبردهبان

Dehban.cinema@gmail.com

آخرین نوبت کارگاه‌های تخصصی هشتمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت در چهارمین روز این جشنواره با استقبال قابل توجه مستندسازان نسبت به روزهای قبل همراه بود. «چگونه در فیلم مستند مصاحبه کنیم» موضوع اصلی این نشست تخصصی بود که هدی هانیگمان مستندساز هلندی مسئولیت برگزاری آن را برعهده داشت. هانیگمان یکی از بهترین مستندسازان حال حاضر جهان به شمار می‌رود. او با نمایش فیلم‌هایش در معتبرترین جشنواره‌های بین‌المللی سراسر دنیا موفق به کسب جوایز و افتخارات مختلف شده است. علاوه بر کارگاه، مرور بخشی از آثار هانیگمان و بزرگداشت او جزء رویدادهای مهم جشنواره هشتم به شمار می‌روند.

معرفی فیلم‌های امروز



آریل
Ariel
کانادا ۲۰۱۳
Canada2013

وقتی آریل ۳۳ سال بیشتر نداشت، پاهایش را در اثر کار کردن با یک وسیله صنعتی در مندوای آرژانتین از دست داد. لورا باری که همزمان نویسنده‌گی و کارگردانی این اثر ۹۵ دقیقه‌ای را برعهده داشته، آریل را به عنوان تجسم زنده دوئل پایان‌ناپذیر انسان و ماشین به نمایش می‌گذارد. از آن نقطه به بعد، آریل شروع به کشف دوباره معنای آزادی می‌کند؛ تاهویت از دست رفته‌اش را از نو به دست آورد، اجازه نهد خانواده‌اش از هم بپاشد و پاهای مصنوعی خودش را طراحی کند.

2



خوش‌بین‌ها
The Optimists
نروژ ۲۰۱۳
Norway2013

این مستند بلند را گانهیلد وستاگن مانیر، فیلمساز نروژی نویسنده‌گی، کارگردانی و فیلمبرداری کرده است. فیلم با نمایش تیم والیبالی زنان بازنشسته، شور و اشتیاقی را به تصویر می‌کشد که هرگز پایانی برای آن نیست. «خوش‌بین‌ها» در حقیقت، نام تیم والیبالی مادر بزرگ‌های ۶۶ تا ۹۸ ساله است که از دهه ۱۹۷۰ تاکنون به کار خود ادامه داده است. مادر بزرگ‌ها که سابق بر این فقط با هم‌تایان خودشان رقابت می‌کردند، با اتفاقی شگفت‌انگیز روبه‌رو می‌شوند. این مستند چالش پیش‌روی مادر بزرگ‌ها را به تصویر کشیده است.

1

There is No Secret

The last session of the specialty workshops of the 8th edition of Cinema Verite film festival was held yesterday by the presence of the most acclaimed filmmaker, Heddy Honigmann. She led the session focused on the subject of 'Interview Technique' in the field of making documentary films. "There is no secret when I interview with people in my films. I just follow one rule and that my curiosity as documentary filmmaker", she said.

هیچ رازی در میان نیست

هانیکمان در ابتدای این جلسه درباره این موضع که آیا روش خاصی برای گرفتن مصاحبه دارد یا خیر گفت: معمولاً افرادی که فیلم من را می بینند گمان می کنند برای مصاحبه گرفتن روش خاص، ویژه و پیچیده‌ای را انجام می‌دهم و در این باره با خودشان می‌گویند «هدی» چه کار می‌کند که افراد در مقابل دوربین وی آنقدر راحت درد و دل می‌کنند و آنچه را که او به عنوان کارگردان نیاز دارد بر زبان می‌آورند. آن‌ها فکر می‌کنند من برای این کار یک راز دارم و مدام در مورد آن از من سوال می‌کنند. «وی در ادامه افزود: «پاسخ من بسیار ساده و آسان است. به آن‌ها می‌گویم که یک مسئله را در کار رعایت می‌کنم و آن کنجکاوی من به عنوان یک مستندساز است. مستندساز باید نسبت به اطرافیان و سوژه مورد نظرش کنجکاوی داشته باشد و بتواند سوال‌های پی‌در پی و مناسب را برای رسیدن به آنچه که می‌خواهد بپرسد. در آغاز گفت و گو هیچ چیزی نیست جز کنجکاوی من برای

رسیدن حس‌هایی که جذاب هستند.

باید بساط درد و دل را فراهم کرد

هانیکمان با اشاره به ایجاد حس تعامل در مصاحبه گفت: «حرف‌های که من در فیلم‌هایم با افراد مورد نظر من می‌زنم یک مصاحبه ساده نیست بلکه گفت‌وگویی دوفره است اگر من به عنوان یک پرسشگر به کارم تسلط داشته باشم باید به راحتی بتوانم حس تعامل را در مصاحبه شونده ایجاد کنم. در یک گفت‌وگوی خوب ارتباط حسی مناسب نیز باید برقرار شود. مصاحبه شونده زمانی که تصمیم می‌گیرد با مستندساز حرف بزند باید به شرایطی برسد که درد و دل کند و آنچه را که در وجودش است برای ما بیان نماید.

پا به پای زنان فیلم‌اشک ریختم

او همچنین به یکی از فیلم‌هایش اشاره کرد و گفت: «برای رسیدن به یک مصاحبه خوب باید حس اعتماد را در طرف مقابل ایجاد کنیم. یادم می‌آید برای ساختن فیلمی به روستایی رفته بودم که در یک شب مردهای آن روستا را کشته بودند و بالای ۸۰ درصد از زنان آن روستا بیوه شده بودند که من مجبور شدم مدتی در کنار آن‌ها حضور داشته باشم و در فضاهای شخصی‌شان وارد شوم و پای حرف‌هایشان بنشینم تا آن‌ها را برای فیلمبرداری آماده کنم. شاید بارها در این راستا پا به پای آن زنان اشک ریختم. در نهایت وقتی آن‌ها تخلیه شدند گفتم که به چه مواردی از صحبت‌هایشان نیاز دارم و اضافه‌های حرف‌هایشان را با کمک خودشان به کمترین سطح ممکن رساندم.

برای گرفتن مصاحبه بازی نمی‌کنم

هانیکمان درباره نوع برخی از مصاحبه‌ها گفت: «خیلی با این موافق نیستم که باید برای گرفتن مصاحبه با افرادی که تیپ، حالات و موقعیت خاصی دارند بازی کنیم و از شخصیت خود خارج شویم با همان شیوه‌ای که برای گفت‌وگو و مصاحبه دارم می‌توانم با هر فردی در هر جایگاهی که هست حرف بزنم. اصلاً درست نیست برای اینکه نظر خود را در فیلم بکنجانبیم برخی از حرف‌های خودمان را در غالب دیالوگ به مصاحبه کننده بدهیم تا آن‌ها را برای ما عنوان نماید و یا او را به سمتی ببریم که سخنی را که خودش به آن اعتقاد ندارد بیان نماید چرا که با این کار هم به او دروغ گفته ایم و هم به مخاطب از این جهت این شیوه را اصولی نمی‌بینم.

جشنواره‌های روبه‌رشد

گپی با اووه ریشه یانسن
عضو EDN (شبکه مستند اروپا) و
مسئول Pitch مستند

امسال بحث کارگاه‌های پژوهشی و تخصصی جشنواره سینما حقیقت با حضور مهمانان سرشناس و مطرح سرفصل‌های بنیادین حوزه مستند حسابی داغ است. یکی از مهم‌ترین رویدادهای جنبی مهم‌ترین جشنواره تخصصی فیلم مستند ایران در این دوره، برگزاری کارگاه‌های «تولید مستند» با همکاری شبکه مستند اروپا (European Documentary Network) است که تمرکز اصلی آن بر مقولات تخصصی بازار آثار مستند، ارائه طرح تاعرضه در بازارهای خارجی و تأمین اسپانسر بین‌المللی تعریف شده است. این کارگاه‌های تخصصی از امروز تا ۱۵ آذر با حضور متخصصان شبکه EDN در «فرهنگستان هنر» برگزار می‌شود. به همین بهانه گپ و گفتی داشتیم با اووه ریشه یانسن، عضو شبکه مستند اروپا و مسئول نخستین جلسه کارگاه که از دانمارک به ایران سفر کرده است. قرار است یانسن با تکیه بر سرفصل «به کارگیری راهبردهای روایی در ارائه بهینه طرح مستند (Pitch)» جلسه نخست کارگاه را آغاز کند. او که دومین بار است به ایران سفر می‌کند، با اشاره به تجربه حضور در جشنواره سینما حقیقت می‌گوید: «از این که دوباره به ایران برگشته‌ام بسیار خوشحالم. چهار سال پیش هم سفر به ایران، تجربه بسیار لذت بخشی را برایم رقم زد و بعد ایده برگزاری یک ورکشاپ تخصصی در حوزه فیلمسازی مستند در ایران مطرح شد که من با خوشحالی از آن استقبال کردم.» یانسن در ادامه صحبت‌هایش به تفاوت جشنواره هشتم نسبت به چهار سال گذشته نیز اشاره کرد: «اگرچه هنوز برای قضاوت در این باره زود است، چون من تازه از راه رسیده‌ام، اما می‌بینم که نسبت به گذشته جشنواره واقعاً رشد کرده و تعداد فیلم‌ها نیز بیشتر شده است. در نتیجه می‌توانم بگویم تا اینجا واقعاً تأثیر گذار بوده است.» مشاور شبکه EDN همچنین از علاقه قلبی‌اش به سینمای ایران گفت و توضیح داد که با برخی مستندسازان ایرانی و آثار این حوزه آشنایی کامل دارد. یانسن تأکید کرد: «آنچه بیش از همه مرا جلب سینمای مستند ایران کرده وجه شاعرانه آن است که در نگاه من بسیار تحسین برانگیز است.»



Introduction to Films



فلز و مالیخولیا
Metal and Melancholia
۱۹۹۳ هلند
The Netherlands 1993

این فیلم ۸۰ دقیقه‌ای، یکی دیگر از آثار تماشایی هدی هانیکمان فیلمساز برجسته هلندی است. «فلز و مالیخولیا» یک «مستند جاده‌ای» نامتعارف اما تأثیر گذار است که در آن هانیکمان به جست‌وجوی داستان‌های راننده تاکسی‌های زادگاه اصلی‌اش، لیما می‌رود. اوایل دهه ۱۹۹۰، بسیاری از متخصصان و حرفه‌ای‌های طبقه متوسط در واکنش به تورم اقتصادی «پرو» و بی‌ثباتی دولت فاسد این کشور، با ماشین‌های خودشان مسافر کشی می‌کردند تا بر بحران مالی آن زمان غلبه کنند.

4



جنگ علیه زنان
War against Women
اسپانیا، آمریکا ۲۰۱۴
Spain, USA 2014

هرنان زین، کارگردان و نویسنده این مستند ۶۲ دقیقه‌ای است که پیش از این در جشنواره بین‌المللی فیلم کلمبیا و سیاتل به نمایش درآمده است. به گفته زین برای ساخت «جنگ علیه زنان» به سه سال فیلمبرداری در ده کشور جهان نیاز بود. این فیلم نسبتاً بلند در واقع، یکی از جاه طلبانه‌ترین آثار سینمای مستند جهان است که نشان می‌دهد چگونه آزار و اذیت زنان به عنوان سلاحی در جنگ در سراسر جهان کاربرد دارد. موضوعی که تا امروز مسکوت و نادیده نگاه داشته شده و به تبع بهبود یافتن قربانیان را غیرممکن ساخته است.

3

خبر، بسته پیشنهادی و چند گفت و گو

روایت رسانه‌ها از ریز و درشت جشنواره سینماحقیقت

ل چه خبر از بازار فیلم؟
خبرگزاری مهر بازار فیلم را دستمایه گزارش مفصل کرد و جزئیات اتفاقات آن را پوشش داد: «فیلمسازان سینمای مستند از طیف‌های مختلف در حاشیه برگزاری این رویداد سینمایی در نگارخانه «خیال نو» در موسسه فرهنگی - هنری صبا گردهم آمدند و از جلسات مختلف با موضوعات متفاوتی چون کسب سرمایه در فیلم مستند، چگونگی انتخاب فیلم در جشنواره‌های مستند، تولید مشترک، چگونگی انتخاب فیلم در جشنواره‌های بین‌المللی و ... استفاده کردند.»

ل باز دیدمدیر خبریه «تلسون ماندلا»
خبرگزاری فارس خبر بازدیدمدیر سازمان خبریه «تلسون ماندلا» از جشنواره رادر باکس اخبار ویژه بازتاب داد و به نقل از کار و هیر و تاکاوا نوشت: «تاکنون همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی بسیاری در بیش از ۴۰ کشور دنیا برگزار کرده‌ایم.»

ل خبرهای کارگاه تخصصی
سینماپرس اخبار سومین کارگاه تخصصی جشنواره با موضوع «مستند و ذهنیت» را که توسط تهامی نژاد (پژوهشگر، نویسنده، مترجم و مستندساز) در فرهنگستان هنر برگزار شد، پوشش داد.

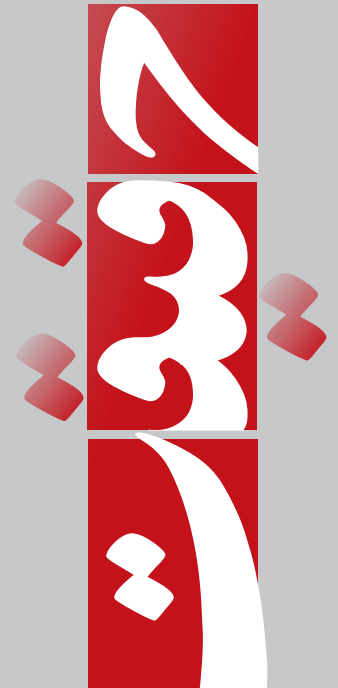
ل رضا کیانیان به جشنواره آمد
روزنامه شرق گزارش مفصلی از اتفاقات مختلف جشنواره منتشر کرد؛ با این تیترو: «رضا کیانیان به جشنواره سینماحقیقت آمد» روزنامه جام جم سراغ «چه کسی مارا کشت؟» گفته‌های محمدحسین جعفریان درباره این فیلم را منتشر کرد.

تنور جشنواره هشتم سینماحقیقت داغ است و به همین نسبت رسانه‌ها تلاش می‌کنند راویان صادق این رویداد و اتفاقات مختلف آن باشند.

ل روز خوب سینماحقیقت
خبرگزاری تسنیم در کنار انتشار اخبار روتین، چند گزارش اختصاصی هم از اتفاقات جشنواره برای کاربران تدارک دید. «روز خوب سینماحقیقت»؛ این تیترو گزارش ویژه تسنیم بود که هر آنچه در روز سوم رخ داد در دل خود داشت.

ل یک تغییر اساسی
تسنیم گفت و گویی اختصاصی با محمد مهدی طباطبایی نژاد، دبیر جشنواره هم روی خروجی اش قرار داد: «سال ۹۴ اگر دبیر جشنواره حقیقت باشم هیأت داورى نذاریم و به سیاق جشنواره‌های معتبر جهان شورای انتخاب به دبیر جشنواره مشاوره می‌دهند. این تغییرات برای این است که فیلم‌ها در یک زمان کوتاه انتخاب نشوند، بلکه یک سال کامل، زمان در اختیار مشاوران دبیر باشد تا آثار برگزیده برای جشنواره انتخاب شود.»

ل مرور کامل بخش صنایع دستی
خبرگزاری ایسنا با برجسته کردن بخش صنایع دستی و هنرهای سنتی از آن به او عنوان انقادی مهم و قابل تحسین یاد کرد و به طور کامل فیلم‌های این بخش را مرور کرد: «این موضوع که برخی از صنایع دستی ایران در قالب فیلم و به شکل مستند ماندگار می‌شوند جای امیدواری دارد.»



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران
زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

ایده‌های ناتمام!

«سینماحقیقت» به روایت خسرو سینایی

ابتدا بهتر است به انتظاری که از جشنواره سینماحقیقت داریم اشاره کنیم. معتقدم جشنواره سینماحقیقت باید همواره بستری فراهم بیاورد تا واقعیت‌ها و حقیقت‌هایی که از طریق مستندسازان در قالب فیلم مستند ارائه می‌شود فرصت نمایش داشته باشند؛ البته با تاکید بر حسن نیت فیلمساز. مستندساز در چنین شرایطی می‌تواند هر آنچه در جامعه خود می‌بیند را با نیتی خیرخواهانه و در جهت رفع مشکلات در قالب فیلم مستند ثبت و ارائه کند. با این مقدمه درباره ساخت مستندی پیرامون جشنواره «سینماحقیقت» باید تاکید کنیم که ساخت چنین مستندی در شرایط عادی نیاز به تفکر بسیار دارد اما حالا که در قالب «مستند فوری» باید طرح خود را ارائه دهیم فکر می‌کنم که برای چنین مستندی دوربینی در دست می‌گیرم و از مقابل در ورود سالن جشنواره تک به تک از مستندسازان جوان این سوال را مطرح می‌کنم که تاکنون قصد ساخت چه فیلم‌هایی را داشته‌اید که به هر دلیلی امکان آن فراهم نشده است؟ از آنها خواهیم پرسید چه ایده بکر و جالبی در ذهن دارید که احساس می‌کنید امکان آن در شرایط امروز فراهم نیست؟ در پاسخ به این سوال، جواب هر یک از مستندسازان را تبدیل به سوزه یک پیگیری تازه می‌کنم تا به جواب این سوال برسیم که واقعا چرا چنین مستندی امکان ساخت پیدا نکرده است. در این مسیر قطعاً می‌توان نیم‌نگاهی هم به موضع مدیران داشت و این سوال را با آن‌ها در میان گذاشت. برای این محتوا اگر خواهیم فرمی پیشنهاد بدهیم قطعاً می‌گوییم باید منتظر ماند تا کار پیش برود و آرام آرام فرم مناسب خودش را پیدا کند. در واقع روی میز تدوین است که می‌توان صورت‌های مختلف یک فیلم را سنجید و بر مبنای آن به یک ریتم و ساختار مناسب رسید.



مستند فوری

ستون ویژه «مستند فوری» فرصتی است برای روایت مهم‌ترین گردهمایی مستندسازان ایرانی به روایت خودشان. این مختصر بهانه‌ای است برای ثبت و مرور روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» از لنز دوربین مستندسازان. طرح‌ها را سیدین به طرح کلی ساخت یک مستند درباره «سینماحقیقت» بود. آنچه در این شماره می‌خوانید ایده خسرو سینایی برای ساخت این مستند است.

دیدار با مدیر سازمان HS نلسون ماندلا

سهام‌زایی‌ها از جشنواره هشتم سینماحقیقت با حضور کار و هیر و تاکاوا مدیرعامل سازمان خبریه HS نلسون ماندلا تکمیل شد. امسال ۱۰ فیلم مستند ژاپنی در بخش چشم‌انداز سینمای ژاپن در جشنواره حضور دارد، به همین بهانه جناب کار و هیر و تاکاوا به کشورمان آمد تا نزدیک شاهد جشنواره سینماحقیقت و همکاری‌های دوجانبه باشند. او در دیدار با محمد مهدی طباطبایی نژاد، محمد آفریده و مرتضی رزاق کریمی بر تعامل برای حمایت از بخش و تولید فیلم‌هایی با موضوع بحران تاکید کرد: «موسسه خبریه HS نلسون ماندلا فعالیت‌هایی در حوزه آموزش رایگان برای رشد، شکوفایی، توانمندی، ایجاد انگیزه و خلق نگرش درست برای اقشار آسیب‌دیده و قربانیان حوادث غیر مترقبه دارد.»



خبر ویژه

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آر ش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نیابتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین الملل: آیدا تدین
- بخش خبری: محمد صابری
- بخش عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمدصادق شایسته
- احمد رضا حجاززاده، زهرا عباسی
- آزاده باقری، شیما انتظاری
- بنت الهدی صدر و علی اکبر دهیان

- عکس: حامد بارچیان
- هدیه میرحسینی و علیرضا تقوی
- صفحه آرایی: بتسابه کرم‌پور
- شقایق فاضل
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیرعلیزاده
- ویرایش و تصحیح: مه‌ری فدایی مقدم

- باسپاس فراوان:
- خسرو سینایی، مجتبی میرتھاسب
- و حسن نقاشی

- با تشکر از همراهی:
- محمدرسول صادقی و علی اصغر لشنی